

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۸۸، ۹۱ - ۴۹

مبثی از مباحث حقوق اقتصادی: استانداردسازی^۱ محصولات و چالش‌های حقوق مالکیت فکری^۲

دکتر محسن صادقی*

پذیرش: ۸۸/۵/۱۳

دریافت: ۸۷/۱۲/۲۴

استانداردسازی / حقوق مالکیت فکری / محصول / مرحله وضع استاندارد / مرحله انتشار
استاندارد و مرحله اجرای استاندارد / حقوق ایران

چکیده

استاندارد در زندگی امروزی، نقش و جایگاهی غیرقابل انکار دارد و اهمیت و دخالت آن در ابعاد مختلف زندگی ما روزبه‌روز بیش‌ازپیش می‌شود. با این حال، اجرایی کردن فرآیند استانداردسازی و استفاده از منافع عمومی آن گاه با منافع خصوصی دارندگان اموال فکری بویژه دارندگان ورقه اختراع، تعارض پیدا می‌کند و این پرسش را مطرح می‌سازد که این تعارض کجا شکل گرفته و راه حل برون رفت از آن چیست؟ از آنجا که مطالعات صورت گرفته پیرامون استانداردسازی محصولات، عمدتاً اقتصادی بوده است، طبیعتاً رابطه حقوق مالکیت فکری و استاندارد چندان مورد توجه نبوده است، از این رو، در این مقاله درصدد آن هستیم تا نقش و جایگاه حقوق مالکیت فکری در استانداردسازی محصولات، راه حل رفع تعارض میان این دو و جایگاه موضوع را در حقوق ایران نقد و بررسی کنیم.

طبقه‌بندی JEL: J80, J15

1. Standardization
2. Intellectual Property Rights (IPRs)

* عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و پژوهشگر گروه حقوق اقتصادی و بازرگانی

sadeghilaw@ut.ac.ir

موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

■ محسن صادقی، مسئول مکاتبات.

مقدمه

استاندارد، امروزه بیشتر از گذشته در زندگی ما نفوذ پیدا کرده و آثار آن را به راحتی می‌توان در همه ابعاد زندگی حتی در غذایی که می‌خوریم، وسایل ارتباطی که مورد استفاده قرار می‌دهیم، در حین کار و مسافرت و سایر فعالیتهای روزمره دید.

یکی از دلایل اقبال عمومی به استانداردسازی محصولات، منافع فردی و اجتماعی قابل توجهی است که از آن به بار می‌آید چرا که این فرایند علاوه بر سودرسانی به تولیدکننده و توزیع‌کننده یا فروشنده محصول، برای عموم مصرف‌کنندگان جامعه نیز دارای فواید و اهمیت غیرقابل انکار است. با اینحال، در رسیدن به این منافع دوجانبه، ضرورتاً باید آثار و احکام سایر نهادهای حقوقی را نیز در نظر گرفت. یکی از این نهادها که ارتباط تنگاتنگی با مقوله استاندارد داشته و رابطه آن با استاندارد، بسیار کم مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است، حقوق مالکیت فکری است. بی‌گمان در مراحل مختلف استانداردسازی، ممکن است مسائل حقوق مالکیت فکری مطرح شود یا اساساً خود استانداردسازی به عنوان یک فرایند بدیع و جدید، به عنوان یکی از مصادیق مشمول حمایت در قالب حقوق مالکیت فکری مطرح شود. وانگهی، گاه استفاده از آثار و منافع فردی یا اجتماعی استاندارد، با برخی احکام و مقررات حاکم بر حقوق مالکیت فکری تعارض پیدا می‌کند. بررسی رابطه این حقوق با استاندارد و تشریح تعارضات احتمالی میان این دو و راهکارهای برون رفت از این تعارضات، موضوع این مقاله است و بواسطه طرح مسائل و موضوعات بکر و جدید، می‌تواند جذاب و مفید باشد. در واقع جذابیت‌های علمی مقاله بدین موضوع باز می‌گردد که حقوق مالکیت فکری بر حمایت از منافع خصوصی صاحبان اموال فکری (حوزه خصوصی^۱) تاکید دارد ولی مقوله استاندارد با منافع عمومی تولیدکنندگان و بالاخص مصرف‌کنندگان (حوزه عمومی^۲) ارتباط پیدا می‌کند و چون مرز میان حوزه و عمومی، مرزی ناپیدا، مبهم و لغزان است، از این رو تعیین مرز میان این دو از مباحث مشکل، چالش

1. Private Domain.

2. Public Domain.

برانگیز و مفید محسوب می‌گردد و چالش در این زمینه زمانی بیشتر می‌گردد که سازمان استانداردسازی که خود متولی وضع، انتشار و اجرای استاندارد است، گاه در برخی حوزه‌ها ادعای مالکیت فکری داشته و در بطن استاندارد، همزمان هم منافع خصوصی و هم منافع عمومی جامعه مطرح می‌گردد؛ امری که تاکنون در ادبیات حقوقی ما مورد توجه نبوده و شاید این نخستین گام، بتواند اندکی از این خلا تحقیقاتی بکاهد.

مطالب مقاله حاضر را در سه گفتار ارائه خواهیم داد: در گفتار نخست، به مفهوم استاندارد و فواید آن می‌پردازیم؛ در گفتار دوم، مراحل مختلف استانداردسازی محصولات و تعارضات و چالشهای احتمالی هر مرحله با قواعد و اصول حقوق مالکیت فکری را بررسی می‌نماییم و بالاخره در گفتار سوم، جایگاه موضوع را در حقوق ایران نقد و راهکارهای حقوقی مقتضی را پیشنهاد می‌کنیم.

۱. مفهوم استاندارد و فواید آن

استاندارد در لغت به معنای نمونه، مقیاس، معیار تشخیص و هر چیزی است که به عنوان مقیاس و مبنایی برای مقایسه پذیرفته می‌شود.^۱ معنای اصطلاحی استاندارد، از معنای لغوی آن دور نیفتاده است زیرا استاندارد عبارت است از یک سلسله ضوابط و معیارهای علمی و فنی که برای قانونمندی سازی کالاها و خدمات مختلف و تشخیص انطباق کالاها و خدمات تولید شده با اصول و ضوابط مقرر وضع شده و می‌شوند. سازمان بین‌المللی استاندارد^۲ نیز در تعریف این اصطلاح مقرر می‌دارد: استاندارد عبارت است از معیاری که با اجماع هیات صلاحیتدار تصویب می‌شود و موارد استعمال عادی و مکرر و ویژگی‌های فعالیتها و نتایج آنها را برای رسیدن به یک نظم بهینه در یک زمینه یا پدیده خاص مقرر می‌دارد.^۳ بر اساس این تعاریف می‌توان گفت: محصول استاندارد محصولی است که از لحاظ شکل، جنس، نوع، اندازه، اجزای تشکیل دهنده، دوام، ایمنی، کیفیت، بسته بندی، آثار محصول بر روی

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، جلد اول، (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹)، ص ۱۳۴.

2. The International Organization for Standardization (ISO).

3. WIPO, (2000), p.135.

محیط زیست و مانند آن، دارای حداقلی از ضوابط و معیارهای علمی و فنی مقرر باشد^۱. استانداردهای محصولاتی نیز بدین معناست که سازمان ذیصلاح، معیارهایی برای تشخیص انطباق کالا و خدمات با اصول و ضوابط تعیین شده وضع نموده، آنها را منتشر کند و نیز انطباق محصولات را با این معیارها احراز نماید^۲.

بعد از آشنایی با مفهوم استاندارد، لازم است تا فواید و اهمیت آن را مورد اشاره قرار دهیم. بطور کلی، استانداردسازی، هم دارای فواید فردی و هم منافع اجتماعی است و قابلیت اعتماد، کاربرد و کارایی محصولات را افزایش داده، تجارت را تسهیل نموده و زندگی را ساده تر و مطمئن تر می‌سازد. استاندارد کردن محصولات، به دلایل زیر هم برای تولیدکنندگان، هم برای فروشندگان و توزیع کنندگان محصول و هم برای مصرف کنندگان، مفید و در عین حال مهم است:

۱- استانداردسازی، برای تولیدکننده از این حیث اهمیت دارد که او را به ارتقای کیفیت محصول و سطح فناوری در جریان تولید ترغیب می‌سازد زیرا وقتی هیات صلاحیتدار، تولید برخی کالاها را که کیفیتی پایین تر از استاندارد دارند ممنوع می‌کند، تولیدکننده برای ادامه فعالیت و حیات اقتصادی خود و جلب مشتری بیشتر، ناگزیر به رعایت استانداردها در فرایند تولید محصول است و برای تولید مجبور است از فناوری بالاتری بهره بگیرد. برای مثال، وقتی بر اساس تحقیقات صورت گرفته، مشخص شد که میزان بالای سرب موجود در بنزین برای انسانها بویژه کودکان، مضر است و استانداردهایی برای تولید بنزین مشخص شد، تولیدکنندگان ناگزیر شدند تا از تجهیزات پیشرفته تر و شیوه‌های مطلوب تری برای تولید بنزین با سرب کمتر استفاده کنند.

فایده دیگر استانداردسازی برای تولیدکنندگان، آن است که از اتلاف منابع تولید جلوگیری شده و به صرفه جویی کمک می‌کند زیرا تولیدکنندگان مکلفند از منابع موجود

۱. فروغ منتقمی، استاندارد و صادرات، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۵)، صص ۳۱ و ۳۲.

۲. استانداردسازی محصول در معنای اخص کلمه به معنای وضع استاندارد برای احراز انطباق محصولات با اصول مقرر است اما در معنای اعم کلمه- که در مقاله مورد نظر ماست- هر سه مرحله وضع استاندارد، انتشار اسناد راجع به آن و اجرای استاندارد را شامل می‌شود.

بگونه ای استفاده کنند که به تولید محصولات استاندارد و با کیفیت منتهی شود. فواید فوق، غالباً مربوط به سطح داخلی است اما استانداردسازی محصولات، برای تولید کنندگان در سطح بین‌المللی نیز مفید بوده و به توسعه تجارت خارجی کمک می‌کند. توضیح اینکه در صورت فقدان ضوابط واحد در خصوص یک محصول، رعایت دو نوع استاندارد در تجارت خارجی ضروری می‌شود: یکی استاندارد کشور صادرکننده و دیگری استاندارد کشور واردکننده اما وقتی استانداردهای مشترک و واحد، در کشورهای مختلف رواج دارد، هزینه‌های تولید و صدور کالا کاهش یافته، بازاریابی تسهیل شده و محصولات با قیمت پایین‌تری در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گیرد. استاندارد کردن محصولات و اعمال ضوابط واحد در سطوح ملی و بین‌المللی، این امکان را نیز به تولیدکنندگان می‌دهد تا محصولات ارائه شده به مصرف‌کنندگان را در سطح کشور یا جهان با یکدیگر مقایسه کرده و علاوه بر ارتقای کیفیت محصولات، با سرعت بیشتری به انجام بازرگانی بین‌المللی مبادرت ورزند. پیرو همین فایده است که سازمان بین‌المللی استاندارد، گواهی‌نامه‌های ایزو را در نظر گرفته است تا شرکتهای تولیدی کشورهای مختلف جهت حضور در بازار جهانی، در صدد انطباق محصولات خود با ضوابط ایزو باشند.^۱

۲- اما فایده مهم استانداردسازی محصولات برای فروشندگان و توزیع‌کنندگان آن است که استاندارد، از طریق تعیین خط‌مشی‌های فنی و معیارهای یکسان برای همه شرکتهای در یک زمینه فنی خاص، هزینه معاملات جانبی را کاهش می‌دهد و بدین وسیله، امکان افزایش انعقاد معاملات را با مصرف‌کنندگان میسر می‌گردد. به علاوه، توزیع‌کنندگان می‌توانند با استفاده از استاندارد، زمینه را برای پذیرش راحت‌تر فناوریهای جدید تولیدشده چون فناوری مخابراتی و الکترونیکی، از سوی مصرف‌کنندگان و جلب مشتری بیشتر فراهم سازند.^۲

فایده دیگر استانداردسازی محصولات برای فروشندگان و توزیع‌کنندگان این است که حمل و نقل و انبارداری محصولات برای این دو قشر، ساده‌تر خواهد بود. توضیح اینکه فروشندگان و توزیع‌کنندگان ناگزیرند قبل از فروش محصولات، آنها را به محل فروش یا

1. See: www.iso.org

2. Esteban Burrone, (2009), p. 1.

توزیع (مانند تجارتخانه خود) حمل کرده و در انبارهای مناسب انبار نمایند. بی گمان حمل و نقل و انبارداری محصولاتی که از استاندارد برخوردار بوده و در نتیجه از شکل، کیفیت و بسته بندی مناسب، بهره مند می باشند، راحت تر خواهد خود و فروشندگان و توزیع کنندگان کمتر با زیانهای ناشی از سقوط کالاها، ضربه دیدن محصول و فساد آنها روبرو می شوند^۱.

۳- استاندارد برای مصرف کنندگان محصول نیز دارای اهمیت غیرقابل انکار است چرا که فایده دیگر اینکه تولید محصولات بر اساس ضوابط فنی و استاندارد، به پیشگیری از ایجاد محصولات معیوب و جلوگیری از بروز حوادث منتهی به خسارات جانی و مالی و بدنی منجر می شود؛ به علاوه مصرف کننده با خرید کالای استاندارد در هزینه های خود نیز صرفه جویی می کند زیرا هر چند استانداردسازی محصولات هزینه بر بوده و هزینه آن از سوی تولیدکننده بر روی محصول کشیده می شود و مصرف کننده، کالای استاندارد شده را گران تر از کالای استاندارد نشده خریداری می کند اما طبیعتاً دوام و ایمنی کالاهای استاندارد شده از استاندارد نشده بیشتر بوده و مصرف کننده هزینه ای بابت تعمیرات مکرر کالا و یا جایگزین کردن آن با محصول دیگر متحمل نمی شود^۲.

فواید فوق باعث شده است تا در اکثریت قریب به اتفاق کشورها، مراجع ملی برای استاندارد تعیین شود^۳ و هر چند جز در موارد خاص مانند استانداردهای بهداشتی و ایمنی عمومی، در سایر موارد، وضع استاندارد، اختیاری و تحت هدایت بازار است، با این حال، در فضای رقابتی امروز، اکثر تولیدکنندگان خصوصاً در حوزه های فناوری اطلاعات و مخابرات، سعی می کنند حتی در مواردی که استاندارد رسمی^۴ هم وجود ندارد، برای بازاریابی و جلب مشتری بیشتر، از یک سلسله استانداردهای عملی یا غیررسمی^۵ برای

۱. فروغ منتقمی، پیشین، ص ۳۴.

۲. برای دیدن تحلیل اقتصادی فواید استاندارد برای مصرف کنندگان، ر.ک:

Mark A. Lemley, (2009), p.1.

۳. برای دیدن این مراجع، به منبع زیر مراجعه شود:

www.iso.ch/iso/en/aboutiso/isomembers

4. De jure .

5. De facto.

محصولات خود استفاده کنند. گاهی هم چند شرکت مستقل، با یکدیگر کنسرسیومی را تشکیل داده و استانداردهای فنی را در یک زمینه خاص وضع و در آن صنعت الزامی می‌کنند که کنسرسیوم شبکه گسترده جهانی^۱ از مهمترین این موارد است.^۲

۲. رابطه و تعارضات مراحل استانداردسازی محصولات با حقوق

مالکیت فکری

استانداردسازی محصولات هم دارای منافع فردی برای تولید و توزیع کنندگان محصول و هم دارای منافع عمومی برای مصرف کنندگان جامعه است. این فواید اقتصادی بی‌گمان دارای آثار حقوقی نیز می‌باشد و این آثار باعث می‌شود تا مقوله استانداردسازی با برخی نهادهای حقوقی رابطه تنگاتنگ داشته و حتی تعارضاتی نیز میان آنها وجود داشته باشد. این مبحث مهم تاکنون در کشور ما مورد توجه جدی قرار نگرفته و مباحث پیرامون استاندارد نیز غالباً محدود به مطالعه اقتصادی است. برای رفع نسبی این خلأ ما درصدد آن هستیم تا در این گفتار، رابطه استانداردسازی را با حقوق مالکیت فکری و تعارضات میان این دو را تشریح و بررسی نماییم؛ با اینحال، چون استانداردسازی عمدتاً در سه مرحله متفاوت (مرحله وضع استاندارد^۳، مرحله انتشار استاندارد^۴ و مرحله اجرای استاندارد^۵) صورت می‌گیرد و در هر مرحله، حقوق مالکیت فکری نقشی متفاوت ایفا می‌کند، لذا ما برای انسجام بخشی به مطالب، این گفتار را به سه بند تقسیم کرده و مراحل استانداردسازی و رابطه آن با حقوق مالکیت فکری را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۲-۱. مرحله وضع استاندارد

وضع استاندارد، ناظر به مرحله‌ای است که هیات یا سازمان ذی‌صلاح استانداردسازی^۶ با بررسی شرایط و متناسب با اوضاع و احوال محصول، بازار و مانند این، معیار و ضابطه‌ای

1. WWW Consortium (W3C).
2. Janice Mueller, (2002), draft 5-6.
3. Standard Setting.
4. Dissemination of Standard.
5. Implementation of Standard.
6. Standard setting Organization (SSO).

را برای محصولی خاص مقرر می‌دارد. در اینجا دو فرض می‌تواند وجود داشته باشد: فرض نخست اینکه استاندارد پیش از این نیز وجود داشته و در خصوص سایر محصولات اعمال می‌شده است و حال سازمان یا هیات تصمیم می‌گیرد که استاندارد موجود را در خصوص محصولی مشابه نیز اعمال نماید. اما فرض دوم در جایی است که سازمان یا هیات مزبور، استاندارد جدید را وضع کند که تاکنون وجود نداشته است. علت وضع استاندارد جدید ممکن است یا به این دلیل باشد که محصول، محصولی جدید است که تاکنون موجود نبوده و طبیعتاً استاندارد در خصوص آن مطرح نبوده است و یا ممکن است به این دلیل باشد که محصول از قبل وجود داشته است ولی سازمان تصمیم می‌گیرد برای ارتقای کیفیت محصول، استانداردهای جدید برای تولید آن وضع نماید. در همین فرض است که پای حقوق مالکیت فکری بخصوص اختراع به مقوله استانداردسازی کشانده می‌شود. اختراع و استاندارد دارای این نقش مشترک هستند که سرمایه‌گذاری در حوزه ابداعات و گسترش فناوری را تشویق می‌کند؛ همچنین نظام اختراع، به عنوان یک عامل انگیزشی برای شرکتها، آنها را ترغیب می‌سازد تا فناوری نوین را در استانداردسازی محصولات دخیل ساخته و امکان انعقاد قراردادهای صدور مجوز بهره‌برداری از اختراع (لیسانس) را فراهم کنند. در چارچوب فرایند استانداردسازی است که ویژگی‌های فنی بخصوص فناوریهای تحت اختراع به نفع عموم افشا می‌گردد.^۱

اما در کنار رابطه اختراع با استانداردسازی محصول و برخی ویژگی‌های مشترک این دو، ممکن است میان آنها تعارض نیز پیش آید. این تعارض در جایی مطرح می‌گردد که سازمان ناگزیر می‌شود در وضع استاندارد، از فناوریهایی بهره‌گیرد که پیش از این توسط شخصی، به عنوان اختراع ثبت شده و حقوق انحصاری آن متعلق به اوست و ممکن است او از اعطای اجازه به سازمان استانداردسازی خودداری نماید یا برای صدور مجوز، شروط و قیمتی غیرمتعارف ذکر کند. ممکن است ایراد شود که تنها استفاده تجاری از اختراع منوط به کسب اجازه صاحب اختراع است و چون استفاده سازمان استانداردسازی، غیرتجاری است لذا با منع قانونی روبرو نشده و استفاده سازمان، نقض صاحب حق

1. J. Jannuska, (2009), pp. 1 and seq.

محسوب نمی‌گردد. با این حال این ایراد وارد نیست زیرا استفاده سازمان از فناوری ثبت شده جهت استانداردسازی کالاها و خدمات نیز به دلیل ارتباط تنگاتنگ با اقتصاد و پیامدهای مستقیم مالی، استفاده تجاری تلقی شده، از این رو، نیازمند کسب اجازه از صاحب ورقه اختراع می‌باشد.

نمونه تعارض میان اقدام سازمان استانداردسازی و صاحب ورقه اختراع در قضیه موسسه مهندسين برق و الكترونيك^۱، پیش آمد. این موسسه که سازمان ذی صلاح آمریکا برای وضع استاندارد صنایع برقی و الکترونیکی است، زمانی که می‌خواست برای یک محصول جدید برقی، استاندارد جدید مقرر کند، ناگزیر شد از فناوری‌ای استفاده نماید که مشمول اختراع بود و استفاده از آن، منوط به کسب اجازه از او بود^۲. اینجاست که میان منافع حاصل از وضع استانداردسازی محصولات و منافع مشروع و قانونی مالک اختراع تعارض پیش می‌آید و این پرسش را مطرح می‌سازد که در تعارض این دو حق، کدامیک مقدم است و آیا می‌توان میان این دو حق جمع کرد یا خیر؟

پاسخ به پرسش فوق، دشوار بوده و در قوانین اکثر کشورها، مقرر صریح و مخصوصی در این زمینه وجود ندارد؛ از این روست که بسیاری از هیاتها و سازمانهای استانداردسازی در کشورهای مختلف، برای اینکه با مشکلات اخذ مجوز از صاحبان اختراع روبرو نشوند، معمولاً و جز در موارد استثنایی به دنبال فناوریهای موجود در حوزه عمومی^۳ و یا استفاده از فناوریهای جایگزینی هستند که مشمول حمایت نمی‌باشند^۴. با این حال این راهکار، قطعی نبوده و آن را می‌توان از چند جهت مورد انتقاد قرار داد: نخست اینکه رویه مزبور همه جا پاسخگو نیست و در مواردی که برای وضع برخی استانداردها، نیاز به کسب مجوز از صاحب اختراع است، راهکار مشخصی ارائه نمی‌دهد لذا باید در پی یافتن راه حلی برای رفع تعارض بود زیرا به صرف وجود این تعارض نمی‌توان به سراغ فناوریهای جایگزین

1. Institute of Electrical and Electronics Engineers (IEEE).

2. See: IEEE, (2009), pp.1 and seq.

3. Public Domain.

منظور از فناوریهای موجود در حوزه عمومی، فناوریهایی است که مشمول حمایت اختراع نبوده و انتفاع از آنها در انحصار شخص خاصی نبوده و نیازی به کسب مجوز ندارند.

4. WIPO, op.cit., p.135.

رفت چون ممکن است فناوری جایگزینی وجود نداشته یا کارایی نداشته باشد؛ وانگهی، منافع قشر مصرف کننده را نیز باید لحاظ و با وضع استانداردهای جدید، به ارتقای کیفیت محصولات نیز کمک کرد. ایراد دوم اینکه راهکار مزبور، با فضای رقابتی و مبتنی بر فناوریهای امروزی سازگار نیست توضیح اینکه وضع استاندارد، فرایندی زمان بر است و عمر محصولات تحت یک استاندارد، به مراتب کمتر از عمر آن استاندارد است و چه بسا محصولات متنوعی به بازار می آیند و قبل از آنکه استاندارد آنها تعیین شوند، قدیمی شده و نمونه جدیدتر و پیشرفته تر آن به بازار می آیند. این موضوع باعث شده است تا در سالهای اخیر، سازمانهای استانداردسازی برای رفع این مشکل و به منظور هم پایی با تحولات جدید، نوع نوینی از استاندارد را پایه ریزی کنند که به «استانداردهای قابل پیش بینی»^۱ معروفند و در آن استانداردهایی برای محصولات آینده طراحی کرده اند.^۲ بی تردید در وضع این استانداردهای پیچیده، نمی توان تنها به فناوریهای موجود یا جایگزین اکتفا کرد چون در بسیاری از موارد، پاسخگوی محصولات جدید نیست. به علاوه در سالهای اخیر، توجه به مقوله رابطه اختراع با وضع استاندارد محصولات بیش از گذشته شده است چرا که اولاً: ارزش اختراعات نسبت به قبل بسیار بیشتر شده و شرکتها ارزشی بیش از اموال فیزیکی برای اختراعات قائلند؛ ثانیاً: تعداد استانداردهای درگیر با فناوریهای مشمول اختراع خصوصاً در حوزه رایانه و مخابرات بنحو قابل توجهی فزونی یافته و به دلایلی چون فضای رقابتی موجود و توجه بیشتر به حقوق مصرف کننده، نقش روزافزون اختراعات در توسعه و اجرای استانداردها بیشتر شده است. از این مطالب به خوبی بر می آید که احتمال و مصادیق تعارض میان وضع استاندارد با حقوق مالکیت فکری خصوصاً اختراعات در حال فزونی است و راهکار مورد استناد برخی سازمانهای استانداردسازی نمی تواند راهکار مطلوبی باشد. لذا باید به دنبال راهکار مناسبتری بود.

در صورتی که فناوری لازم برای وضع استاندارد، مشمول حمایت از اختراع باشد، نخستین و بهترین راهکار، مذاکره با صاحب اختراع یا نماینده قانونی اوست. در این حالت،

1. Anticipatory Standard.

2. Martin B.H. Weiss and Michael B. Spring, (1992), pp. 6 and 7.

نمایندگان سازمانها و هیاتهای استانداردسازی یک گروه کاری^۱ تشکیل داده و از طرف مذاکره می‌خواهند تا اختراع خود را در فرایند استانداردسازی محصول خاص دخیل نمایند و از این طریق، اختراعش را عملی و اجرایی کرده و آثار آن را در عرصه عمل مشاهده کنند. صاحب اختراع در صورت موافقت، تضمین‌نامه‌ای^۲ صادر کرده و در آن اظهار می‌دارد که با استفاده از اختراع در وضع استاندارد، موافق بوده و حق اختراع را علیه استفاده‌کنندگان آن استاندارد به اجرا نمی‌گذارد. مفاد این تضمین‌نامه، ضرورتاً یکسان نبوده و می‌تواند به اشکال مختلف باشد برای مثال، صاحب اختراع می‌تواند این موافقت را در قالب صدور مجوز معوض یا قرارداد لیسانس اعلام نماید بدین معنا که او، با حفظ حق مالکیت خود بر اختراع، امتیاز بهره‌برداری از آن را در قبال دریافت حق الامتیاز معین و مشخص واگذار کند. همچنین ممکن است این واگذاری در قالب «قراردادهای لیسانس بدون دریافت حق الامتیاز»^۳ باشد یعنی صاحب اختراع که از میزان و آثار اختراع خود در جامعه اطمینان کامل را ندارد و نسبت به تجاری‌سازی آن و واکنش بازار تردید دارد بدون دریافت حق الامتیاز^۴ اجازه استفاده از اختراع را بدون حق الامتیاز واگذار کرده و در عوض، شرکتی که محصولات را با استاندارد حاوی اختراع به بازار عرضه می‌کند، مسئولیت و ضررهای احتمالی ناشی از استفاده آن اختراع را بپذیرد.

فرض بالا، راهکار ساده حل تعارض میان حق اختراع و استانداردسازی محصول است اما در فروض دیگر، وضع پیچیده تر می‌شود. ما سه فرض مهم و شایع را در زیر بررسی کرده و راهکار هر فرض را بیان می‌داریم:

۱-۲-۱. اگر صاحب اختراع به‌رغم مذاکره و وجود شروط و پیشنهادهای مناسب و متعارف، حاضر به اعطای اجازه بهره‌برداری از اختراع و استفاده از آن در فرایند وضع استاندارد نشود و این سوال به ذهن می‌رسد که در این فرض تکلیف چیست؟

1. Working Group.
2. Letter of Assurance.
3. Royalty-Free Licenses.
4. Royalty.

بنظر می‌رسد در این حالت بتوان به نهاد مجوز اجباری^۱ متوسل شد. مجوز اجباری، مجوزی است که در موارد خاص از سوی دولت و بدون نیاز به کسب اجازه از صاحب اختراع، صادر می‌شود.^۲ این مجوز چون مغایر قاعده احترام به مالکیت صاحبان اختراع است، لذا استثنایی بوده و تنها در موارد مصرح قانونی قابل اعمال است از این روست که موافقت نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری سازمان تجارت جهانی (ترپس)^۳ به این موارد تصریح کرده و صدور مجوز اجباری خارج از این موارد را غیرمجاز و تجاوز به حقوق صاحبان اختراع می‌داند. حال باید ببینیم که آیا موارد صدور مجوز اجباری در فرض مورد بحث ما قابل اجراست یا خیر؟ بطور کلی رایج ترین موارد صدور این مجوزها به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- در صورتی که صاحب ورقه اختراع برغم وجود شرایط اقتصادی مناسب، بنحو نامتعارفی از انعقاد قرارداد واگذاری حق خود امتناع می‌ورزد.
- ۲- فرضی که رویه صاحب ورقه اختراع، رویه‌ای غیررقابتی بوده و بنحو نامتعارفی با رقابت آزاد مغایر است.
- ۳- جایی که قیمت محصول مورد نیاز مردم، بقدری بالاست که تهیه آن برای بسیاری از افراد جامعه میسر نیست.
- ۴- جایی که صاحب حق برغم وجود شرایط اقتصادی مناسب، از به کارگیری^۴ اختراع مورد نیاز جامعه، خودداری کرده یا به کارگیری، ناکافی است.
- ۵- در مواردی که یک کشور دچار وضعیت فوق العاده بهداشتی و اضطرار ملی شده است.

این موارد در قوانین ثبت اختراع بسیاری از کشورهای توسعه یافته نظیر امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان و استرالیا و کشورهای در حال توسعه نظیر هند، برزیل، آرژانتین و تایلند آمده است و بنظر می‌رسد می‌توان در مواردی که صاحب ورقه اختراع، از واگذاری اختراع خود برای بکارگیری آن در وضع استاندارد خودداری می‌ورزد، می‌توان از سازو

1. Compulsory License.
 2. Musungu Sisule F. and Oh Cecilia, (2006), p.12.
 3. TRIPs Agreement.
 4. Working.

کار مجوز اجباری استفاده کرد بدین ترتیب که اگر صاحب ورقه اختراع برغم وجود شرایط اقتصادی مناسب، بنحو نامتعارفی از انعقاد قرارداد واگذاری حق خود امتناع می‌ورزد، همچنین در فرضی که رویه صاحب ورقه اختراع، رویه‌ای غیررقابتی بوده و بنحو نامتعارفی با رقابت آزاد مغایر است و در مواردی که صاحب حق برغم وجود شرایط اقتصادی مناسب، از به کارگیری اختراع مورد نیاز جامعه، خودداری کرده یا به کارگیری، ناکافی است و نیز اگر یک کشور دچار وضعیت فوق العاده بهداشتی و اضطرار ملی شده و عدم بکارگیری اختراع در وضع استاندارد، وضعیت را نامساعدتر کند، می‌توان با مجوز دولت و بدون کسب اجازه از صاحب اختراع، آن را در وضع استاندارد جدید بکار برد و البته مبلغی منصفانه به صاحب اختراع داد.

استفاده از نهاد صدور مجوز اجباری در فرض مورد بحث، می‌تواند میان منافع صاحب اختراع و منافع جامعه جمع کند چرا که صاحب اختراع نفعی متعارف و منصفانه از اختراع خود دریافت می‌دارد و سازمانهای استانداردسازی نیز با بکارگیری اختراع در استاندارد و وضع استاندارد متناسب با فناوریهای پیشرفته‌تر، تولیدکنندگان را به تولید محصولاتی با کیفیت تر وادار ساخته و مصرف کنندگان جامعه نیز از منافع این ارتقای کیفیت بهره‌مند خواهند شد. حتی برخی دادگاههای آمریکا در آرای خود^۱ با توجه به منافع عمومی استاندارد، از بکارگیری نهاد مجوز اجباری در این موارد نیز خودداری کرده و مقرر داشته‌اند که وقتی به صاحب اختراع شروط منصفانه و متعارفی پیشنهاد می‌گردد و از اختراع او در فرایند استانداردسازی استفاده می‌شود، به جای عبارت مجوز اجباری باید از اصطلاح «مجوز اختیاری ضمنی»^۲ استفاده کرد زیرا وقتی شروط متعارف و منصفانه است بطور ضمنی فرض می‌شود که هر شخص متعارفی در این شرایط مجوز بهره برداری از اختراعات را صادر می‌کند و چون از اختراع، برای استانداردسازی و تحقق منافع عمومی استفاده می‌گردد، نیازی به استفاده از قالب قرارداد با قواعد سنتی آن نیست و می‌توان از نهاد شبه قرارداد نیز بهره برد و رضایت ضمنی صاحب اختراع را در این موارد مفروض

1. For Example: In *Wang v. Mitsubishi*, 103 F.3d 1571, 1580 (Fed. Cir. 1997); *Agro v. DeKalb Genetics Corp.*, 271 F.3d 1081 (Fed. Cir. 2001).

2. Implied License.

دانست.^۱

۲-۱-۲. وقتی صاحب ورقه اختراع، حاضر به صدور مجوز اختیاری (لیسانس) می‌شود، اما در حین مذاکره، شرایط و قیمتی نامتعارف تعیین نماید.

همانطور که از مطالب مندرج در فرض نخست بر می‌آید، در رابطه میان صاحب حقوق مالکیت فکری و استانداردهای محصولات، برقراری تعادل میان منافع سه دسته یعنی صاحبان حقوق مالکیت فکری، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بسیار اهمیت دارد. اعطای آزادی کامل قراردادی به صاحب اختراع، برقراری این تعادل را می‌تواند به مخاطره اندازد زیرا اگر اختراع با قیمتی بسیار بالا و نامتعارف خریداری شود، این امر می‌تواند به افزایش هزینه تولید منتهی شده و محصول با بهایی بسیار گزاف راهی بازار شده و بسیاری از مصرف‌کنندگان نتوانند براحتی کالای مزبور را تهیه کنند و این امر در خصوص کالاهای ضروری زندگی، می‌تواند بر روی سلامت، ایمنی و رفاه مصرف‌کننده تاثیر منفی بگذارد زیرا او را به سمت استفاده از کالاهای غیراستاندارد و ارزان یا صرفنظر کردن از مصرف آن کالای ضروری مجبور سازد. این استدلال در رویه قضایی برخی کشورها نیز مورد تایید قرار گرفته است. برای نمونه، در خصوص وضع استانداردی به نام اترنت^۲، صاحب اختراع تنها در قبال دریافت مبلغی بسیار گزاف و نامتعارف، حاضر به واگذاری امتیاز استفاده از آن شد و کمیسیون تجارت آمریکا با این استدلال که صاحب اختراع حاضر به قبول شروط متعارف نشده و قیمتی غیرواقعی پیشنهاد داده است، علیه وی طرح دعوی کرد و دادگاه فدرال این کشور در ژانویه سال ۲۰۰۸ به نفع خواهان رای داد و صاحب اختراع را مکلف به قبول شروط و قیمت متعارف ساخت.^۳

از این رو بنظر می‌رسد آزادی قراردادی را باید محدود ساخت و برای قراردادهای لیسانس، شروطی متعارف را در نظر گرفت. برقراری این شروط به دلایل فوق به نفع مصرف‌کننده و تولیدکننده است، بعلاوه، صاحب اختراع نیز سود خواهد برد زیرا سازمانهای استانداردسازی نمی‌توانند خارج از این شروط، وی را مجبور به واگذاری امتیاز

1. Mark A. Lemley, (1999), p.111.

2. Ethernet.

3. See: <http://www.ftc.gov/os/caselist/0510094/index.shtm>.

اختراع نمایند. پیرو همین ضرورت است که برخی سازمانهای استانداردسازی برای ترغیب صاحبان اختراع برای افشای اختراعاتشان و اعطای لیسانس، شروطی را مقرر داشته‌اند که به «شروط متعارف و غیرتبعیض‌آمیز»^۱ شهرت یافته‌اند. برخی دیگر از سازمانها، برای تشویق بیشتر صاحبان اختراع، لزوم منصفانه بودن شروط را نیز بر شروط انعقاد قرارداد لیسانس با صاحب اختراع افزوده‌اند که اصطلاحاً به این شروط، «شروط منصفانه، متعارف و غیرتبعیض‌آمیز»^۲ می‌گویند.^۳

در خصوص شروط فوق، ذکر این نکته ضروری است که احراز منصفانه و متعارف بودن شروط قرارداد لیسانس، با گروه کاری سازمان یا هیات استانداردسازی نیست بلکه شرکتی که می‌خواهد محصولش را تحت آن استاندارد عرضه کند باید متناسب با شرایط موجود، این امر را احراز کند.^۴ نکته دیگر این که در لزوم متعارف و غیرتبعیض‌آمیز بودن شروط قرارداد لیسانس، تفاوتی میان استانداردهای رسمی و استانداردهای غیررسمی یا عملی وجود ندارد و در هر دو مورد یک حکم جاری است.^۵

در خصوص ضمانت اجرای وضع شروط نامتعارف از سوی صاحب اختراع نیز می‌توان باز هم از ساز و کار مجوز اجباری بهره برد زیرا موافقت‌نامه تریس اجازه می‌دهد در صورت توسل صاحب اختراع به اقدامات ضد رقابتی، بتوان مجوز اجباری صادر کرد و این موضوع در قوانین داخلی کشورهای نامبرده در فوق نیز اجازه داده شده است.

۳-۱-۲- فرضی که صاحب اختراع عمداً از افشای وجود حق انحصاری خودداری می‌کند.

گاه در فرایند وضع یک استاندارد جدید، صاحب اختراعی که از فناوری ابداعی او در فرایند استانداردسازی استفاده می‌شود، برغم آگاهی از این قضیه از افشای حق اختراع خویش بر فناوری مشمول حمایت خودداری کرده و پس از وضع استاندارد و تولید و عرضه محصولات تحت آن استاندارد، با طرح دعوی و استناد به حق انحصاری خود،

1. Reasonable and Non-Decimatory Terms (RAND Terms)

2. Fair, Reasonable and Non-Decimatory Terms (FRAND Terms)

3. WIPO, (2006), p.34.

4. WIPO,(2000), p.182.

5. *Ibid*, p.183.

خواستار توقیف اجرای استانداردسازی محصولات می‌شود و در بسیاری از موارد، نیت صاحب اختراع از این اقدام آن است که مبلغ بیشتری را برای اعطای اجازه بهره‌برداری از اختراعش مطالبه کند. این حالت مکارانه را اصطلاحاً «تله اختراع»^۱ نامیده‌اند و تعادل میان منافع فردی صاحب اختراع و منافع جمعی مترتب بر استانداردسازی را به نفع صاحب اختراع دارای سوءنیت بر هم می‌زند. البته اگر ناآگاهی صاحب اختراع بواسطه این است که سازمان استانداردسازی جستجوهای کافی را در خصوص فناوریهای مشمول اختراع انجام نداده است باید برای صاحب اختراع حق توقیف اجرای استانداردسازی را قائل شویم؛ اما در فرضی که صاحب اختراع با آگاهی از استانداردسازی، عمداً از افشای اختراع خودداری کرده است ضمانت اجرای این اقدام چیست؟

قانونگذار بسیاری از کشورها مقرر کرده‌اند که این بحث اختصاص نداشته‌اند لذا باید راهکار حقوقی را از میان قواعد و اصول عام حقوقی و آرای دادگاهها استنباط کرد. به نظر می‌رسد امکان اتخاذ راهکار عادلانه و مناسب حقوقی در این فرض وجود داشته و می‌توان از استدلالات زیر بهره برد:

۱- با استناد به اصل منع سوءاستفاده از حق که اصل کلی حقوقی و مشترک میان نظامهای حقوقی است، می‌توان مانع اقدام صاحب حق شد چون هر چند صاحب اختراع حق دارد به استناد حق مالکیت قانونی خود، از اقدام دیگران برای استفاده از مالش جلوگیری کند اما اگر اجرای این حق با تقصیر و سوءنیت همراه باشد، می‌توان قائل به این نظر شد که صاحب اختراع در این فرض دیگر حقی ندارد؛ همچنین می‌توان این تفسیر را ارائه داد که عدم استناد به اختراع در زمان آگاهی از جریان استانداردسازی و تاخیر در استناد به آن، نوعی اسقاط فعلی یا ضمنی حق محسوب می‌گردد و حق اسقاط شده، قابلیت استناد نخواهد داشت.

۲- از بند الف ماده ۵ کنوانسیون پاریس و بند ۲ ماده ۴۰ موافقت‌نامه تریپس که اتخاذ اقدامات مغایر رقابت را منع کرده است، می‌توان استنباط کرد که صاحب اختراع در این حالت نمی‌تواند حق مالکیت خود را با سوءنیت وسیله‌ای برای مخدوش‌سازی رقابت قرار

1. Patent Ambush.

دهد؛ به تعبیر دیگر، از حق مالکیت خصوصی خود بر اختراع، سوءاستفاده کند.

۳- در قوانین داخلی برخی کشورها نیز به موضوع مورد بحث توجه شده است؛ برای نمونه در قانون مالکیت صنعتی برزیل، یکی از موارد صدور مجوزهای اجباری، سوءاستفاده صاحب ورقه از قدرت اقتصادی ناشی از حق انحصاری است. این مورد در ماده ۱-۲۴ قانون ثبت اختراع آلمان، ماده ب۳-۳۸ قانون کپی رایت، طرح صنعتی و اختراع انگلستان و ماده ۵۱ قانون ثبت اختراع چین نیز پیش بینی شده است. در آمریکا هم اقدام صاحب اختراع را با استناد به قوانین عام ضد رقابت منع کرده و به صاحب اختراع اجازه توقیف اجرای استانداردسازی را نمی دهند.

۴- در پرونده‌هایی که در این زمینه مطرح شده است، غالباً دادگاهها به نفع سازمان استانداردسازی رای داده‌اند. برای مثال در پرونده موسوم به کوالکوم^۱، دادگاه فدرال آمریکا در سال ۲۰۰۷ به نفع سازمان استانداردسازی رای داده و مقرر داشت: اقدام خواهان پرونده (کوالکوم) - که صاحب اختراع در زمینه یکی از فناوریهای مرتبط با ویدئو است -، نوعی اقدام ضد رقابتی و مبتنی بر سوءنیت است چرا که با وجود آگاهی از اقدام هیات استانداردسازی در خصوص وضع استاندارد جدید در زمینه ویدئو، عمداً و عالماً از افشای اختراع و حق خود خودداری کرده و با اختفای اختراع خویش در صدد سوءاستفاده عمدی بوده است لذا درخواست خواهان برای توقیف اجرای استانداردسازی رد می گردد^۲.

۵- برخی سازمانهای استانداردسازی، با شناسایی فناوریهای مشمول اختراع، صاحبان این اختراعات را به عضویت سازمان خود در آورده و ضمن اعطای برخی تسهیلات برای تجاری سازی آن فناوری، از او تعهد می گیرند که در فرایند استانداردسازی، آنها را از وجود فناوریهای تحت اختراع آگاه ساخته و اگر اختراعش توسط خود او یا مخترع دیگری تکمیل شد، سازمان را از آن و صاحب حق انحصاری بر اختراع تکمیلی مطلع نماید و در صورت خودداری از این کار، سازمان می تواند به عنوان نقض تعهد قراردادی علیه او طرح دعوی کند^۳. در آمریکا در این زمینه پرونده‌هایی تشکیل شد و یکی از مبانی

1. Qualcomm.

2. See: WIPO, *op.cit.* p.35.

3. Mark A. Lemley, *op.cit.*, pp.31 and seq.

رای قاضی، قرارداد میان سازمان و صاحب اختراع بود.^۱

از آنچه در بالا گفتیم نباید این ذهنیت ایجاد شود که عدم امکان توقیف عملیات اجرای استاندارد، به معنای این است که صاحب اختراع هیچ حقی بر اختراع استفاده شده در استاندارد ندارد بلکه تنها حق توقیف عملیات از او گرفته می شود و گرنه نمی توان او را از منافع دیگر محروم ساخت زیرا این اسقاط نیازمند نص قانونی است بنابراین صاحب اختراع می تواند همانند فرض مجوز اجباری، از مبلغی منصفانه برخوردار گردد.

در پایان فرض مورد بحث، این نکته را بیفزاییم که هرچند در کشورهای مختلف از صدور مجوز اجباری استفاده می شود اما با توجه به اینکه مجوز اجباری از سوی دولت صادر می شود و دولت باید تا حد امکان از مداخله در صنعت استانداردسازی که عموماً از سوی خود صنعت و بازار هدایت و کنترل می شود، خودداری نماید؛ لذا پیشنهاد می شود که سازمانهای استانداردسازی با توسل به اقدامات فنی و حقوقی موثر تر نظیر افزایش قدرت جستجو در زمینه فناوریهای مشمول اختراع و ترغیب صاحبان اختراع به افشای اختراع خود از طریق وضع شروط اقتصادی عادلانه و منصفانه، زمینه توسل به تله اختراع را به حداقل برسانند.

۲-۲. مرحله انتشار استاندارد

در گذشته، غالباً نیازی به انتشار گسترده اسناد راجع به استاندارد وضع شده، نبود یعنی پس از آنکه سازمان یا هیات صالح استانداردسازی، استاندارد معینی را برای یک یا چند محصول وضع می کرد، تنها تولیدکنندگان آن محصولات نیاز به آگاهی از جزئیات استاندارد داشتند اما این رویه در حال حاضر به چند دلیل تغییر یافته است: نخست آنکه با پیشرفت فناوریهای جدید، محصولات نوینی در حال ساخت هستند که در آنها استفاده از محصولات تحت استاندارد مشخص، الزامی است یعنی نیاز به استفاده از چند محصول تحت استاندارد روز بروز در حال ازدیاد است؛ در این حالت، علاوه بر تولیدکنندگان محصولات تحت استاندارد، سایر افراد نیز که درصدد تولید محصولات جدید ترکیبی

1. For Example: Nelson v. Belle Fourche Irr. Dist., 845 F.Supp. 1361, 1366 (D.S.D. 1994); Laguna Royale Owners Assn. v. Darger, 119 Cal.App.3d 670, 674, 174 Cal. Rptr. 136 (1981).

هستند، باید به اقتضای حرفه شان علاوه بر استاندارد محصولشان از استانداردهای مورد استفاده کالاهای فرعی نیز آگاهی کامل داشته باشند^۱. دوم آنکه نیاز به آگاهی از استانداردهای وضع شده، علاوه بر تولیدکنندگان به مصرفکنندگان محصولات و فناوریهای جدید نیز سرایت کرده است زیرا حمایت از حقوق مصرفکننده که سالهاست در کشورهای توسعه یافته تقویت شده و در کشورهای در حال توسعه نیز در حال گسترش است^۲، اقتضا دارد تا مصرفکننده نیز در کنار سایر ارکان زنجیره تامین (یعنی تولیدکنندگان، توزیعکنندگان و فروشندگان)، از استاندارد محصولات اطلاعات کافی داشته باشد زیرا مصرفکننده حق دارد خصوصاً در حوزههای جدید و پیچیده‌ای چون فناوری اطلاعات، در خصوص کیفیت، سلامت، ایمنی و حجم محصول از آگاهی لازم و مناسب برخوردار باشد^۳.

با عنایت به دو دلیل فوق، می‌توان دریافت که لزوم انتشار اطلاعات راجع به استاندارد و دسترسی افرادی به جز تولیدکنندگان اصلی محصولات به آن، امروزه اهمیتی بیش از پیش یافته است. برای تحقق این دسترسی ممکن است به این راهکار دست یازید که تولیدکنندگان اصلی مکلف هستند اطلاعات کافی و جزئی راجع به استاندارد محصول را در اختیار تولیدکنندگان محصولات بعدی قرار دهند. همچنین عرضهکنندگان محصول ملزم هستند تا این اطلاعات را به مصرفکنندگان ارائه نمایند و گرنه تکلیف قانونی به تسلیم کامل و صحیح محصول را انجام نداده‌اند برای مثال، وقتی فروشنده اطلاعات کافی راجع به ایمنی، کیفیت یا نوع بسته‌بندی محصول را به مشتری نمی‌دهد و در نحوه استفاده مصرفکننده خلل وارد می‌شود گویی تسلیم مبیع بدرستی انجام نشده است. این راهکار هرچند از برخی جهات قابل دفاع بوده و در برخی موارد کارگشااست اما با چند ایراد روبروست نخست اینکه تکلیف فروشنده به ارائه اطلاعات راجع به استاندارد محصول را به‌دشواری می‌توان با تکلیف به تحویل کامل و صحیح مبیع پیوند داد زیرا اطلاعات

۱. برای مثال، تولیدکنندگان هواپیمای بوئینگ برای تولید هواپیمای خود که ترکیبی از قطعات بسیار متعدد و متنوع است، ناگزیر از کسب آگاهی نسبت به استاندارد قطعات و محصولات بکار رفته در تولید هواپیما هستند.

2. Sinai Deutch, (1995), pp.544 and seq.

3. Martin B.H. Weiss and Michael B. Spring, op.cit., pp.7 & 8.

استاندارد ضرورتاً راجع به نحوه مصرف کالا نیست؛ ثانیاً: در مواردی هم که این اطلاعات راجع به نحوه مصرف کالا است، ضمانت اجرای آن، مراجعه مصرف کنندگان به مراجع قضایی یا شبه قضایی و صرف وقت و هزینه است لذا باید به دنبال راهکار اقتصادی تری بود تا سرچشمه اختلاف خشکانده شود؛ ثالثاً: برای توجیه تکلیف تولیدکننده اصلی به ارائه اطلاعات راجع به استاندارد به سایر تولیدکنندگان، مبنای حقوقی قوی وجود ندارد و در موارد تردید در وجود یا عدم وجود این تکلیف، اصل بر عدم است.

راهکار مناسب تری که در چند سال اخیر مورد تبعیت قرار گرفته است، الزام سازمانها و هیاتهای استانداردسازی به انتشار اسناد و اطلاعات راجع به استاندارد وضع شده است بگونه‌ای که تولیدکنندگان و مصرف کنندگان بتوانند از جزئیات راجع به استاندارد آگاهی کافی به دست آورند. این رویه در بسیاری از کشورهای پیشرفته لازم‌الاتباع بوده و پیشگام آن کشور آمریکاست که در صنعت مخابرات و فناوری اطلاعات، این انتشار را الزامی ساخت.^۱

اما مقوله حقوق مالکیت فکری در این مرحله استانداردسازی زمانی مطرح می‌شود که تهیه کنندگان اسناد راجع به استانداردسازی محصولات، خواهان برخورداری از حقوق مالکیت ادبی و هنری (کپی رایت) شده و منافع حاصل از فروش این اسناد را متعلق به خود بدانند. توضیح اینکه حقوق مالکیت ادبی و هنری ناظر به آثار ادبی و هنری بدیع و ابتکاری نظیر کتابها، گزارشها، مقالات، موسیقی ها، نقاشیها و مانند اینهاست که به پدیدآورنده اثر، حق انحصاری برخورداری از منافع تکثیر و فروش اثر و جلوگیری از انتساب اثر به نام دیگری را می‌دهد.^۲ در خصوص اسناد راجع به استانداردهای جدید نیز گاه سازمانهای استانداردسازی و منتشرکننده اسناد، با این استدلال که این اسناد ویژگی‌های یک اثر ابتکاری و بدیع را دارد، منافع فروش را مطالبه کرده و تکثیر اسناد را منوط به کسب اجازه آنها می‌دانند. اعطای حق انحصاری به این سازمانها می‌تواند این تعارض را بوجود آورد که

1. Office of Technology Assessment, US Congress, (1992), pp. 1 and seq;
- Anthony M. Rutkowski, (1991), p.1.

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد این حقوق ر.ک: سید حسین صفایی، سعید حبیبی، محسن صادقی و حسن محسنی،

(۱۳۸۳)؛ سید حسن میرحسینی، (۱۳۸۵)؛ کلود کلمبه، (۱۳۸۵).

از یک سو باید از حقوق انحصاری پدیدآوردگان این آثار حمایت کرد و از سوی دیگر، منافع عمومی مربوط به آگاهی تولید و مصرف کنندگان از اطلاعات راجع به استاندارد را باید مورد توجه قرار داد و چه بسا به دلیل عدم پرداخت کپی رایت سازمانهای صاحب حق یا عدم کسب اجازه از آنها در انتشار اسناد، این سازمانها، جلوی تکثیر و انتشار بیشتر اسناد را گرفته و در نتیجه بسیاری از تولید و مصرف کنندگان در جریان اطلاعات راجع به یک استاندارد جدید قرار نگیرند. البته گاه برخی سازمانها برای به دست آوردن سهم بیشتر بازار، اسناد را رایگان و به صورت الکترونیکی در اختیار عموم قرار می دهند (نظیر آنچه گروه مهندسی اینترنت انجام می دهد^۱) با اینحال گاه برخی سازمانها و هیاتهای استانداردسازی رویه ای مخالف داشته و بر اسناد خود، حق مالکیت ادبی و هنری یا کپی رایت قائلند و از طریق منافع مادی فروش اسناد، بخشی از هزینه های خود را تامین می کنند. در مورد اینکه آیا اسناد مزبور اساساً مشمول حمایت کپی رایت هستند یا خیر، می توان از دو جهت مخالف و موافق استدلال کرد:

از یکسو در جهت مخالفت با حمایت می توان گفت که اولاً: اسناد راجع به استاندارد اگر حاوی استانداردهای موجود باشد، حاوی مطلب بدیع و اصیل نیستند و آثار تقلیدی و غیربدیع جزو آثار قابل حمایت در قالب کپی رایت نیستند؛ ثانیاً: اسناد راجع به استانداردهای جدید نیز به دلیل ماهیت و نقششان نمی توانند جزو آثار مشمول حمایت باشند چون اسنادی که جنبه اطلاع رسانی عمومی دارند در قوانین مالکیت ادبی و هنری بسیاری از کشورها، از شمول حمایت خارج ساخته شده اند و از این روست که تهیه کنندگان متن قوانین جدید نیز حمایت نمی شوند زیرا حمایت از این افراد و ایجاد محدودیت در گسترش قوانین، مضار بسیاری دارد؛ همین مصلحت در خصوص اسناد راجع به استاندارد صادق است زیرا اعطای حق انحصاری به تهیه کنندگان اسناد و گزارشهای مزبور می تواند در راه گسترش و انتشار این اسناد محدودیت ایجاد کرده و هدف ارتقای کیفیت محصولات و حمایت از حقوق مصرف کنندگان محصولات جدید بخوبی محقق

۱. این گروه مسئولیت وضع، حفظ و توسعه استانداردهای راجع به اینترنت (نظیر استانداردهای TCP/IP) را بر عهده دارد.

نگردد؛ ثالثاً: اعطای حق انحصاری کپی رایت به تهیه‌کنندگان اسناد مورد بحث باعث می‌شود تا تولیدکنندگان محصولات برای آگاهی از مفاد استاندارد، ناگزیر به پرداخت مبلغی برای خرید اسناد شده و این مبلغ را بر هزینه تولید محصول افزوده و کالا با قیمت بالاتری راهی بازار می‌گردد. تبعیت کردن از اصول و مفاد یک استاندارد و انطباق محصول با ضوابط مقرر شده بخودی خود بر هزینه تولید محصول می‌افزاید و حال لزوم رعایت کپی رایت می‌تواند این هزینه را بالاتر برده و تولیدکنندگان را برای تولید محصول ارزان‌تر و جلب مشتری بیشتر، به تولید محصولات غیراستاندارد وادار کند.

دلایل فوق، برغم آنکه ظاهراً قوی بنظر می‌رسند اما با ایراد روبرو بوده و لذا می‌توان در راستای حمایت از اسناد راجع به استانداردهای جدید استدلال کرد که:

اولاً: اسناد فوق، دارای تمام ویژگیهای یک اثر ادبی مشمول حمایت است یعنی بدیع و اصیل هستند بنابراین خروج آنها از مصادیق اثر مورد حمایت نیاز به تصریح قانونی دارد هم چنان که قانونگذار داخلی کشورها آثار غیرقابل حمایت را برشمرده و تصریحی به این اسناد نکرده اند؛ ثانیاً: حمایت از اسناد مورد بحث دارای اثر انگیزشی بوده و تهیه‌کنندگان را به تهیه و انتشار بهتر و بیشتر اسناد ترغیب کرده و این امر می‌تواند به تحقق هدف حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و افزایش آگاهی تولیدکنندگان و به تبع آن، ارتقای کیفیت محصولات کمک کند؛ بی تردید برای انتخاب یک استاندارد جدید، صرفاً مسائل فنی دخیل نیست و استاندارد می‌تواند مورد اقبال عمومی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان قرار گیرد که دارای برخی ویژگیهای هنری و زیبا شناختی نیز باشد برای مثال باید قابل دسترس بوده، پراحتی قابل فهم باشد و با نیاز مصرف‌کننده سازگار باشد^۱. این ویژگی‌ها بخوبی وصف هنری و ادبی بودن یک استاندارد را نشان می‌دهد و مناسب‌ترین قالب برای حمایت از این اثر، قالب مالکیت ادبی و هنری است؛ ثالثاً: درست است که حمایت از اسناد راجع به استاندارد، می‌تواند به افزایش هزینه تولید و در نتیجه، افزایش قیمت کالا منتهی گردد، اما تولیدکنندگان بر اساس تحلیل اقتصادی هزینه-فایده^۲، ترجیح می‌دهند تا محصولی گران‌تر اما منطبق با استاندارد تولید کرده و با ارتقای کیفیت و ایمنی محصول

1. Marvin Sirbu, and Steven Stewart, (1986).

2. Cost-Benefit.

خود، مشتریان بیشتری جلب نمایند و علاوه بر آن، از پرداخت جریمه‌های سنگین عدم رعایت استاندارد معاف شوند؛ وانگهی مصرف‌کنندگان نیز ترجیح می‌دهند تا محصولی استاندارد ولو با بهایی بالاتر خریداری نمایند و با پرداخت هزینه، از منافع حفظ سلامت و ایمنی جانی و مالی برخوردار گردند؛ رابعاً: امروزه بسیاری از سازمانهای استانداردسازی کشورهای توسعه یافته که در آنها حمایت از حقوق مصرف‌کننده با دقت و نظارت بالا اعمال می‌شود، اسناد مزبور را مورد حمایت قرار داده و با گسترش فناوری اطلاعات و افزایش اهمیت انتشار بیشتر اسناد در سطح جامعه، سازمانهای استانداردسازی بر روی منافع مادی حاصل از فروش این اسناد و حمایت از آنها بیش از پیش تکیه کرده‌اند.^۱

در هر حال در مواردی که متقاضیان استفاده از اسناد راجع به استاندارد، از پرداخت حق کپی رایت سازمان خودداری می‌ورزند، سازمان به استناد حق مالکیت ادبی و هنری می‌تواند مانع هرگونه استفاده تجاری از اسناد از جمله تکثیر و عرضه عمومی اسناد شود اما در کشورهای مختلف توسعه یافته نظیر انگلستان و فرانسه و کشورهای در حال توسعه مانند برزیل و الجزایر، قواعد خاصی را برای رفع این دسته مشکلات پیش‌بینی کرده‌اند؛ از جمله در مواردی که صاحب حق انحصاری مالکیت ادبی و هنری، هنوز اثر خود را عرضه و توزیع نکرده است و اسناد به حق انحصاری بگونه‌ای باشد که حقوق رقابت را مخدوش کند و اقدام سازمان، از مصادیق سوءاستفاده از حق تلقی شود، دولت می‌تواند از طریق نهاد مجوز اجباری، اجازه تکثیر و توزیع اسناد را به متقاضیان ذی صلاح داده و حق الامتیاز منصفانه‌ای برای سازمان صاحب حق تعیین نماید. پیش‌بینی شده است. اما در مواردی که صاحب حق انحصاری اثر خود را توزیع ساخته است، به تبعیت از ماده ۶ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (ترپس)، قاعده زوال (خاتمه) حقوق^۲ را پذیرفته‌اند. مطابق این قاعده، در صورتی که صاحب حق مالکیت فکری برای یک بار از منافع مادی توزیع اثر خود بهره‌گیرد، حق زائل می‌شود. بنابر این قاعده، زمانی که سازمان استانداردسازی برای نخستین بار از منافع مادی توزیع اسناد خود استفاده کند، آن حق زائل شده تلقی می‌گردد و استفاده‌های بعدی از این اسناد، منع قانونی ندارد.

1. Martin B.H. Weiss and Michael B. Spring, op.cit., p.8.

2. Exhaustion of Rights.

۳-۲. مرحله اجرای استاندارد

منظور از مرحله اجرای استاندارد، مرحله‌ای است که در آن، استاندارد وضع و منتشر شده است و حال تولیدکننده یک محصول برای گرفتن مجوز ورود محصول به بازار باید آن را به هیاتهای صالح استاندارد بسپارد تا بر اساس «آزمایش انطباق»^۱، سازگار بودن یا نبودن محصول را با استانداردهای تعیین شده احراز نمایند. گاه محصول تولیدشده، ترکیبی از محصولاتی است که انطباق آنها با استاندارد پیش از این احراز شده است. در این حالت، احراز سازگاری محصول با استاندارد ساده‌تر است و معمولاً فرض بر این است که محصول استاندارد است. اما دشواری زمانی بیشتر می‌گردد که محصول کاملاً جدید است در این حالت، محصول برای گرفتن مجوز ورود به بازار، باید یک سری آزمایشها را با موفقیت پشت سر بگذارد. در برخی کشورها برای آنکه تولیدکنندگان قبل از ارسال محصولشان به هیات رسیدگی، خود از انطباق کالا با استانداردهای وضع شده مطمئن شوند، نمونه برخی از این آزمایشها به صورت منتشر شده در دسترس است. برای مثال در آمریکا، این آزمایشها در قالب سندی به نام تی.تی.سی. ان^۲ آماده و منتشر شده است تا تولیدکننده‌ای که بعد از انجام آزمایشها، محصول خود را پایین‌تر از استانداردها می‌داند، برای جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه، از همان ابتدا محصول را به هیات نفرستد و پس از منطبق سازی محصول با معیارهای اعلام شده، به ارسال محصول اقدام نماید^۳.

اما پیوند استاندارد با مباحث حقوق مالکیت فکری در این مرحله اینجا مطرح می‌شود که وقتی تهیه استاندارد می‌تواند به عنوان یک اثر بدیع و اصیل مورد حمایت باشد، پس مجموعه آزمایشهایی که از اسناد راجع به استاندارد استخراج شده و برای احراز استاندارد بودن یا نبودن محصول مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌تواند به عنوان یک اثر اقتباسی یا اشتقاقی (مشتق شده)^۴ حمایت شود. منظور از اثر اقتباسی یا اشتقاقی، به ترجمه، اقتباس یا ترتیبات و تغییرات مشابه در آثاری اشاره دارد که قبلاً وجود داشته‌اند و این قبیل آثار،

1. Conformance Test.
2. Tree Tabular Combined Notation (TTCN).
3. Richard J., Jr Linn, (1999), pp. 1143-1158.
4. Derivative Work

لطمه‌ای به آثار اصلی وارد نمی‌کنند.^۱ آثار مزبور بر اساس بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون برن و به شرط داشتن اصالت به عنوان یک اثر اشتقاقی یا اقتباسی حمایت می‌شوند. طرفداران حمایت از آزمایشهای انطباق محصول با استاندارد معتقدند که این آزمایشها اقتباسی از اسناد استاندارد هستند که با تغییراتی اعمال شده و به اصل اثر لطمه نمی‌زنند. این استدلال مورد قبول و تبعیت قانونگذار آمریکایی در بخش ۱۰۳ اصلاحات اخیر قانون مالکیت ادبی و هنری این کشور (در سال ۲۰۰۳) قرار گرفته و آزمایشهای مورد بحث به عنوان یک اثر اشتقاقی یا اقتباسی مشمول حمایت در قالب کپی رایب قرار گرفته اند.

این حمایت می‌تواند سوالاتی را در خصوص رابطه اجرای استاندارد با حقوق مالکیت فکری ایجاد کند از جمله آنکه آیا شخصی که وسایل آزمایش احراز انطباق محصولات با استاندارد را طراحی و ساخته است، مکلف است از صاحب اثر اصلی یعنی سازمان استانداردسازی کسب اجازه کند و باید مبلغی به او بپردازد یا خیر؟ در پاسخ این پرسش تقریباً این اتفاق نظر وجود دارد که چون سازمان استانداردسازی، مالک قانونی اسناد استاندارد است لذا کلیه اشخاصی که از اثر استفاده تجاری می‌کنند مکلف به کسب اجازه از سازمان و پرداخت حق الامتیاز بر اساس مفاد قرارداد هستند. اما در خصوص اینکه چه کسی از این اسناد استفاده تجاری می‌کند میان صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد بدین ترتیب که به عقیده برخی، چون تولیدکنندگان هستند که در نهایت از آزمایشهای منتج از اسناد استانداردسازی استفاده تجاری می‌کنند، آنها مکلف به پرداخت این حق الامتیاز هستند اما اکثر صاحب نظران با انتقاد از این نظریه معتقدند که استفاده ابتدایی از اثر را طراحان آزمایشهای انطباق انجام داده اند و آنها باید این حق الامتیاز را بپردازند چون آنها با دریافت مقداری پول، انطباق محصول با استانداردهای سازمان استاندارد را به اطلاع تولیدکننده می‌رسانند.^۲ این عقیده امروزه پذیرفته شده و نتیجه قبول آن این است که اگر از آزمایشهای طراحی شده، منافی به دست آید در این منافع هم سازمان استانداردسازی - به عنوان صاحب اثر اصلی - و هم طراح آزمایشها - به عنوان صاحب اثر اشتقاقی - مشترکاً از

۱. سید حسن میرحسینی، (۱۳۸۵)، ص ۷۶.

2. Martin B.H. Weiss and Michael B. Spring, *op.cit.*, p.9.

منافع سهم خواهند برد.^۱ در خصوص میزان سهم هر یک، بر اساس سهم المسمی عمل می شود و در صورت عدم وجود قراردادی در این زمینه، اصل بر سهم مساوی دو طرف است مگر آنکه با بررسی کارشناسی، سهم و نقش یک طرف احراز گردد.

پرسش دیگر اینکه در صورت مخالفت سازمان استانداردسازی با اعطای این اجازه چگونه می توان از منافع عمومی مصرف کنندگان و تولید کنندگان حمایت کرد؟ در پاسخ می توان گفت که علی الاصول تهیه و طراحی آزمایشهای استاندارد از سوی اشخاصی غیر از سازمانهای استانداردسازی، امری ضروری نبوده و غالباً برای راحتی بیشتر تولید کنندگان است لذا نمی توان به استناد ضرورت، معتقد به صدور مجوز اجباری بود خصوصاً آنکه این مجوزها، برخلاف قاعده حمایت از مالکیت صاحبان کپی رایب بوده و تنها در موارد مصرح قانونی قابل اعمال است و در موارد تردید، نباید حکم استثنایی و خلاف اصل را تعمیم داد. با اینحال اگر شرایط بگونه ای پیش رود که دولت در شرایط بسیار خاص و اضطراری اقدام سازمان استانداردسازی را بر خلاف منافع عموم تولید کنندگان و مصرف کنندگان بداند می تواند بطور استثنایی حکم بر مجوز اجباری صادر نماید هم چنان که در برخی کشورها مانند آمریکا از این راهکار استفاده می شود.

۳. جایگاه موضوع در حقوق ایران

برای بررسی جایگاه حقوق مالکیت فکری در مراحل سه گانه استانداردسازی در حقوق ایران، این گفتار را به سه بند تقسیم کرده ایم:

۳-۱. مرحله وضع استاندارد

در کشور ما و بر اساس ماده یک قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱، مرجع رسمی برای تهیه و وضع استاندارد محصولات، «مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران»^۲ است و جز در مورد

1. Office of Technology Assessment, *op.cit.*

2. Institute of Standards and Industrial Research of Iran (ISIRI).

استانداردهای^۱ راجع به مواد دارویی و انرژی هسته ای - که تعیین و اجرای استانداردهای آن با به ترتیب با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دستگاههای مرتبط با انرژی هسته ای است^۲ - در مورد سایر محصولات، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی است که به تهیه، تدوین و انتشار استانداردها می پردازد.

استانداردهایی که در این سازمان وضع شده است، عموماً جزو استانداردهایی بوده اند که برای وضع آنها نیاز به فناوری پیچیده مشمول ثبت اختراع نبوده و غالباً ملهم از استانداردهای پذیرفته شده بین المللی است و تعارضی با حقوق ثبت اختراع شخصی پیدا نکرده است، با این حال در آینده و با افزایش احتمال وضع استانداردهای جدید محصولات پیشرفته در حوزه هایی مانند مخابرات و فناوری اطلاعات، سازمان باید حق

گذشته از پیشینه تاریخی غیر مدون استاندارد در ایران اولین تشکیلات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران با تصویب قانون اوزان و مقیاسها در سال ۱۳۰۴ شمسی مطرح می شود. بعدها در سال ۱۳۳۱ به لحاظ ضرورت تعیین ویژگیها و نظارت بر کیفیت کالاهای صادراتی و وارداتی ایجاد یک تشکیلات رسمی مورد توجه قرار گرفته و هسته اولیه تشکیلات سازمانی موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران بصورت اداره ای در وزارت بازرگانی وقت شکل می گیرد. در سال ۱۳۳۹ با تصویب قانون تاسیس موسسه استاندارد ایران این موسسه کار خود را در چهارچوب هدفها و مسئولیتهای تعیین شده آغاز می نماید. موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در سال ۱۳۳۹ به عضویت سازمان بین المللی استاندارد ISO در آمده و این عضویت تا به امروز به شکل موثری ادامه دارد به گونه ای که در بیشتر کمیته های فنی بین المللی حضور فعال داشته و بر اساس آخرین اطلاعات دریافتی از ایزو در ۱۲۷ کمیته فنی اصلی و فرعی عضو فعال و در ۱۱۱ کمیته فنی اصلی و فرعی عضو ناظر می باشد. وظایف و هدفهای مؤسسه عبارتست از: (تعیین، تدوین و نشر استانداردهای ملی - انجام تحقیقات به منظور تدوین استاندارد، بالا بردن کیفیت کالاهای داخلی، کمک به بهبود روشهای تولید و افزایش کارآئی صنایع در جهت خودکفائی کشور، ترویج استانداردهای ملی - نظارت بر اجرای استانداردهای اجباری - کنترل کیفی کالاهای صادراتی مشمول استانداردهای اجباری و جلوگیری از صدور کالاهای نامرغوب به منظور فراهم نمودن امکانات رقابت با کالاهای مشابه خارجی و حفظ بازارهای بین المللی، کنترل کیفی کالاهای وارداتی مشمول استاندارد اجباری به منظور حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان داخلی و جلوگیری از ورود کالاهای نامرغوب خارجی، راهنمایی علمی و فنی تولید کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان - مطالعه و تحقیق درباره روشهای تولید، نگهداری، بسته بندی و ترابری کالاهای مختلف - ترویج سیستم متریک و کالیبراسیون وسایل سنجش - آزمایش و تطبیق نمونه کالاها با استانداردهای مربوط، اعلام مشخصات و اظهار نظر مقایسه ای و صدور گواهینامه های لازم).

۱. ب مطابق ماده ۱ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران: «به منظور تعیین، تدوین و نشر استانداردهای ملی (رسمی) و نظارت بر اجرای آنها و همچنین انجام تحقیقات مربوط، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران که در این قانون اختصاراً مؤسسه نامیده می شود به موجب مواد بعدی این قانون انجام وظیفه خواهد نمود.»

۲. تبصره های ۱ و ۲ ماده ۳ قانون.

صاحب اختراع را رعایت کند بخصوص آنکه در بند ۲ ماده ۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، یکی از وظایف این موسسه، انجام تحقیقات به منظور تدوین استاندارد، بالا بردن کیفیت کالاهای تولید داخلی، کمک به بهبود روشهای تولید و کارآیی صنایع اعلام شده است و تحقق این هدف چه بسا نیازمند بهره‌گیری از اختراعات ثبت شده برای تدوین استانداردهای جدید و کمک به ارتقای کیفیت کالاها و روشهای نوین تولید خواهد بود. با این حال برای بهره‌گیری از اختراعات برای تدوین استانداردهای جدید، با حقوق صاحبان ورقه اختراع برخورد پیدا می‌کند. مطابق صدر ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶: «حقوق ناشی از گواهینامه اختراع به ترتیب زیر است: الف - بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع، مشروط به موافقت مالک آن است. ...» بر اساس این ماده، هرگاه موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی بخواهد از فناوری مشمول اختراع - که در ایران به ثبت رسیده است - استفاده کرده و استاندارد جدید وضع نماید باید از صاحب اختراع کسب اجازه کند و این موضوع از اطلاق واژه «بهره‌برداری» مندرج در صدر ماده ۱۵ قابل استنباط است. عدم کسب اجازه از سوی موسسه مطابق ماده ۶۰ قانون فوق‌الاشعار از مصادیق نقض حق محسوب شده و مشمول ضمانت اجراهای مدنی و کیفری مقرر در قانون خواهد بود.

اما در مواردی که صاحب اختراع با وجود شرایط متعارف حاضر به اعطای اجازه به موسسه نیست یا شرایط اضطراری اقتضا می‌کند، حقوق ایران امکان صدور مجوز اجباری را از سوی دولت به نفع موسسه استاندارد بطور ضمنی پیش‌بینی کرده است. قسمت ۲ بند الف ماده ۵ قانون اجازه الحاق ایران به اتحادیه بین‌المللی پاریس، به مبنای سوءاستفاده از حق مالکیت صنعتی و تجویز برای اتخاذ اقدامات مناسب در برابر این سوءاستفاده تصریح کرده و در انتهای بند مثالی را برای سوءاستفاده بکار برده که عبارت است از عدم اقدام در بهره‌برداری از اختراع ثبت شده که مطابق این مثال می‌توان صاحب اختراعی که از اختراعش بهره‌برداری نمی‌کند و اجازه بهره‌برداری از آن را به موسسه استاندارد نمی‌دهد را به سوءاستفاده از حق مالکیت خصوصی بر اختراع متهم نمود. اما در حقوق ما مستند

روشن تری در این باره و راهکار حقوقی مقابله با آن مقرر شده و سکوت قانون علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ توسط قانون جدید رفع شده است. بر اساس بند الف ماده ۱۷ قانون جدید: « دولت یا شخص مجاز از طرف آن، با رعایت ترتیبات زیر، می‌توانند از اختراع بهره‌برداری نمایند:

الف - در مواردی که با نظر وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط منافع عمومی مانند امنیت ملی، تغذیه، بهداشت یا توسعه سایر بخشهای حیاتی اقتصادی کشور، اقتضاء کند که دولت یا شخص ثالث از اختراع بهره‌برداری نماید و یا بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او مغایر با رقابت آزاد بوده و از نظر مقام مذکور، بهره‌برداری از اختراع رافع مشکل باشد، موضوع در کمیسیونی مرکب از رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، یکی از قضات دیوان عالی کشور با معرفی رئیس قوه قضاییه، دادستان کل کشور، نماینده رئیس جمهور و وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط مطرح و در صورت تصویب، با تعیین کمیسیون مذکور، سازمان دولتی یا شخص ثالث بدون موافقت مالک اختراع، از اختراع بهره‌برداری می‌نماید.»

همانطور که از بند فوق استنباط می‌شود، در مواردی که منافع عمومی مانند لزوم تضمین و گسترش امنیت محصولات یا توسعه بخشهای حیاتی اقتصادی کشور اقتضاء کند و یا بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او مغایر با رقابت آزاد است (برای مثال، مخترع برغم وجود شرایط متعارف، حاضر به اعطای اجازه بهره‌برداری به موسسه استاندارد نباشد) و بهره‌برداری از اختراع رافع مشکل باشد دولت یا شخص ثالث می‌تواند از طریق نهاد مجوز اجباری، از اختراع بهره‌برداری نماید.^۱

۱. ممکن است ایراد شود که ماده ۱۷ قانون جدید، اجازه صدور مجوز اجباری را در جایی که صاحب ورقه اختراع برغم شرایط مناسب اقتصادی، از انعقاد قرارداد خودداری می‌کند، تصریح نکرده و در موارد تردید، اصل بر عدم امکان صدور مجوز اجباری است چون این نهاد یک نهاد کاملاً استثنایی و تنها در موارد مصرحه قانونی مجاز است اما می‌توان از جمله کلی مقرر در ماده ۱۷ این قانون یعنی «... و یا بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او مغایر با رقابت آزاد بوده و از نظر مقام مذکور، بهره‌برداری از اختراع، رافع مشکل باشد...» استنباط کرد که خودداری صاحب حق اختراع از انعقاد قرارداد با وجود شرایط مناسب، نوعی عمل مغایر با رقابت آزاد و نوعی سوءاستفاده از حق می‌باشد؛ همچنین می‌توان از اصل حقوقی منع سوءاستفاده از حق که در اصل ۴۰ قانون اساسی ما

آخرین نکته مربوط به این مبحث آن است که اگر صاحب اختراع عمداً از افشای اختراع خود در فرایند وضع استاندارد خودداری نماید و پس از وضع استاندارد و تولید و عرضه محصولات تحت آن استاندارد، با طرح دعوی و استناد به حق انحصاری خود، خواستار توقیف اجرای استانداردسازی محصولات می‌شود، موضع حقوق ایران در قبال چنین فردی چه خواهد بود؟

قوانین ما در این زمینه راهکار صریحی را مقرر نداشته‌اند رویه قضایی ما نیز راه حلی به دست نمی‌دهد از این رو باید به قواعد و اصول عام حقوقی استناد جست. اصل منع سوءاستفاده از حق به عنوان یک اصل حقوقی در اصل ۴۰ قانون اساسی ایران پذیرفته شده است. بر اساس این اصل: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر و منافع عمومی قرار دهد.» لذا مالک ورقه اختراع که عمداً از حق مالکیت خود سوءاستفاده می‌کند تا آن را وسیله‌ای برای توقف جریان استانداردسازی محصولات و به نوعی ورود ضرر به منافع عمومی تولید و مصرف کنندگان قرار دهد، قابل حمایت نخواهد بود. این اصل کلی، جواز عدم حمایت از صاحب اختراع را به ما می‌دهد اما هیچ ضمانت اجرایی روشنی را بیان نمی‌دارد. به نظر می‌رسد می‌توان قائل به این نظر شد که عدم استناد صاحب اختراع به اختراع خود در زمان آگاهی از جریان استانداردسازی و تاخیر در استناد به آن، نوعی اسقاط فعلی یا ضمنی حق محسوب می‌گردد و حق اسقاط شده، قابلیت استناد نخواهد داشت. به تعبیر دیگر، بر اساس قاعده اقدام باید گفت: صاحب ورقه عالمداً عمداً علیه خود اقدام کرده و چنین شخصی قابل حمایت نخواهد بود؛ بنابراین برای اینکه جمع میان دو حق کنیم یعنی از یکسو از منافع عمومی مربوط به استاندارد و از سوی دیگر از حق مالکیت خصوصی مخترع حمایت نماییم باید نظر بینابین را بپذیریم؛ نظری که بر اساس آن، درخواست صاحب اختراع برای توقیف عملیات استاندارد پذیرفته نمی‌شود با اینحال بعد از استفاده از اختراع در فرایند استانداردسازی، حق الزحمه‌ای منصفانه در اختیار صاحب

مندرج است، برای رفع نقیصه قانون جدید بهره گرفت و مورد پیش بینی نشده در قانون جدید را یکی از مصادیق اصل ۴۰ دانست که به موجب آن: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

اختراع قرار خواهد گرفت. در کنار این راهکارهای حقوقی، توصیه می‌شود که سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران قدرت جستجوی خود را در زمینه فناوریهای مشمول اختراع بالاتر ببرند؛ همچنین با افزایش شروط منصفانه و متعارف، صاحبان اختراع را به افشای آن ترغیب کرده و با در نظر گرفتن تسهیلاتی برای این افراد، توسل به تله اختراع را تا حد امکان غیراقتصادی بسازند.

۲-۳. مرحله انتشار استاندارد

همانطور که در مرحله انتشار استاندارد گفتیم، بحث اصلی مالکیت فکری در این مرحله ادعای حق مالکیت ادبی و هنری موسسه استانداردسازی بر اسناد تهیه و منتشر شده است. در ایران نیز موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی کشور، برای آگاهی عموم تولیدکنندگان از استانداردهای محصولات، اسنادی را به صورت فیزیکی یا الکترونیکی منتشر کرده و از طرق مختلف مانند قرار دادن برخی از آنها بر روی وب سایت موسسه، به عرضه عمومی اثر می‌پردازد. اما پرسش اساسی در این زمینه این است که آیا مطابق قوانین ایران، موسسه استاندارد می‌تواند بر روی این اسناد ادعای مالکیت ادبی و هنری کرده و این اسناد را به عنوان یک اثر ادبی بدیع و اصیل بر شمارد و از استفاده کنندگان تجاری آن، تقاضای حق الامتیاز نماید؟

برای پاسخ دادن به این پرسش ابتدا باید دید که آیا اسناد مزبور در حقوق ایران، جزو آثار ادبی محسوب می‌شوند یا خیر. مطابق ماده ۱ قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸، به آنچه از راه دانش و هنر و یا ابتکار پدیدآورنده پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن بکار رفته، اثر اطلاق می‌گردد. این تعریف بقدری کلی است که اسناد راجع به استاندارد محصولات را براحتی در بر می‌گیرد چرا که معیارهای مذکور در این ماده، در مورد اسناد مورد بحث صادق است به تعبیر دیگر، چون اسناد مزبور از راه دانش و ابتکار موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی خلق شده اند لذا مشمول تعریف اثر قرار می‌گیرند. به علاوه بند ۱ ماده ۲ قانون مورد اشاره نیز استدلال مزبور را تایید می‌کند. بر اساس این بند، کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری به عنوان اثرهای مورد حمایت این

قانون، مشمول حمایت قرار دارند. بر این اساس، اسناد موسسه استاندارد به عنوان یک نوشته علمی و فنی محسوب شده و مشمول حمایت مادی و معنوی مقرر در قانون قرار می‌گیرد. با استنباط از ماده ۳ قانون فوق می‌توان حقوق مادی و معنوی زیر را برای موسسه استاندارد برشمرد: حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره برداری مادی و معنوی از نام و اثر. همچنین مواد ۱۷ و ۱۹ این قانون، حق انتساب اثر به پدیدآورنده و حق اجازه یا منع تحریف یا تغییر در اثر مورد حمایت را برای صاحب حق به رسمیت شناخته و بطور دائمی از این حقوق معنوی حمایت به عمل می‌آورد.

مواد فوق بخوبی نشان می‌دهد که موسسه استاندارد، می‌تواند از اسناد خود به عنوان یک اثر ادبی در برابر استفاده‌های غیرمجاز حمایت کرده و از مراجع قضایی خواستار اعمال ضمانت اجراهای کیفری و مدنی مقرر در فصل چهارم قانون ۱۳۴۸ (مواد ۲۳ به بعد) گردد. به علاوه رویه موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران نیز حاکی از آن است که این مرجع، بر روی اسناد منتشره خود تصریح می‌کند که حقوق مالکیت ادبی و هنری این اسناد متعلق به موسسه است و هرگونه استفاده تجاری از آن منوط به کسب اجازه از موسسه می‌باشد. بنابراین اگر شخصی اسناد مزبور را بدون اجازه تکثیر و از آن کسب درآمد کند یا حتی بدون چشم‌داشت مادی، آنها را به گونه‌ای منتشر سازد که موسسه را از کسب درآمد از محل فروش این اسناد محروم نماید، نقض حق صورت گرفته و در برابر موسسه مسئول است. حمایت حقوق ایران از اسناد موسسه نه تنها در محیط فیزیکی اعمال می‌گردد، بلکه اسناد الکترونیکی این سازمان - که از طریق تارنما (وب سایت) موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی در دسترس کاربران است^۱ - نیز مشمول حمایت در قالب مالکیت ادبی و هنری هستند. مطابق ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، حق تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) آثار تحت حمایت قانون حمایت مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ به صورت داده پیام^۲ می‌باشند؛ همچنین حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری در

1. See: www.isiri.org.

۲. بر اساس بند الف ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی ایران: «داده پیام (Data Message) هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.»

بستر مبادلات الکترونیکی شامل حق مولف مشمول قانون ۱۳۴۸ است. ماده ۷۴ قانون مزبور نیز برای نقض کننده حق مالکیت ادبی و هنری در محیط الکترونیکی، ضمانت اجرای کیفری و ماده ۷۸ ضمانت اجرای مدنی (جبران خسارت) مقرر داشته است.

پس از اثبات اینکه اسناد موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی به عنوان اثر ادبی مشمول حمایت قانونی قرار دارند باید به این پرسش پاسخ داد که آیا در صورت خودداری موسسه از انتشار اسناد مربوط و نیاز ضروری به انتشار آنها می توان همانند کشورهای مورد مطالعه، از نهاد مجوز اجباری در ایران بهره برد؟ پاسخ متاسفانه منفی است چرا که در قوانین موجود ایران، چنین نهادی در زمینه آثار ادبی و هنری پیش بینی نشده است البته در پیش نویس پیشنهادی سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)، این نهاد مقرر شده و تهیه کنندگان پیش نویس قانون حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط ایران نیز نهاد مجوز اجباری را در متن گنجانده بودند اما چون طرح و تصویب این پیش نویس از دستور کار مجلس شورای اسلامی کنار گذاشته شد، لذا همچنان قانون ۱۳۴۸ در زمینه آثار ادبی و هنری لازم الاتباع است که این قانون نیز هیچ اشاره صریح و ضمنی به مجوز اجباری نکرده است و چون این نهاد بر خلاف قاعده تسلیط و اصل حقوقی حمایت از مالکیت خصوصی صاحب مال است نمی توان جز در موارد مصرح قانونی از آن بهره گرفت زیرا این نهاد اجازه بهره گیری از مال فکری را بدون اذن مالک را می دهد؛ بر این اساس نمی توان با کمک قیاس با قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، امکان صدور مجوز اجباری در زمینه های فوق را به حوزه مالکیت ادبی و هنری تعمیم داد زیرا حکم استثنایی در موارد تردید قابل تسری به موضوع مشکوک نیست. برای رفع این خلا ممکن است به چند راهکار قانونی متوسل شد:

راهکار نخست، استناد به قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷» است که برای گسترش خصوصی سازی^۱ در ایران به تصویب رسیده است. مطابق ماده ۵۱ این قانون: «حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از

1. Privatization.

مالکیت فکری نباید موجب نقض مواد (۴۴) تا (۴۸) {بازار رقابتی} این قانون شود، در این صورت، شورای رقابت اختیار خواهد داشت یک یا چند تصمیم زیر را اتخاذ کند: الف) توقف فعالیت یا عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تحدید دوره اعمال حقوق انحصاری؛ ب) بر اساس بند الف این ماده ممکن است استدلال شود که اگر موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران از حق انحصاری خود بر اسناد استاندارد سوءاستفاده کند بگونه‌ای که حقوق رقابت مخدوش شود، شورای رقابت می‌تواند مانع اعمال حقوق انحصاری صاحب حق شده یا دوره حمایت از حقوق انحصاری موسسه بر اسناد (سی سال از تاریخ انتشار یا عرضه اسناد) را تحدید سازد. اسناد به این قانون، می‌تواند مشکل ناشی از خلا قانون ۱۳۴۸ در زمینه پیش‌بینی مجوز اجباری را تا حدودی حل کند با اینحال باید توجه داشت که قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تنها زمانی قابل اسناد و اعمال است که شورای رقابت احراز نماید که موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی با اسناد به حق انحصاری خود بر اسناد راجع به استاندارد، رقابت بازاری را مخدوش ساخته است؛ وانگهی تحدید دوره حمایت چون در اختیار شورای رقابت است چه بسا تصمیم این شورا بر کاهش مدت حمایت از اسناد، چندان برای متقاضیان و ذینفعان استفاده از مفاد اسناد راهگشا نباشد و نیاز به راهکار فوری تری است.

راهکار دوم اسناد به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ است. بر اساس ماده ۱ این قانون، هر کس در نتیجه بی‌احتیاطی یا عمداً باعث ورود لطمه به جان یا مال یا سلامتی یا شهرت تجاری یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده، گردد مکلف به جبران خسارت است و مطابق ماده ۳، کیفیت و میزان و طریقه جبران خسارت را دادگاه با توجه به اوضاع و احوال می‌تواند تعیین نماید. با استفاده از مجوز این قانون، اگر دادگاه تشخیص دهد که اقدام موسسه در عدم انتشار اسناد می‌تواند به حق تولید و رقابت و شهرت تجاری تولیدکنندگان لطمه وارد سازد می‌تواند راهکار جبران خسارت را صدور مجوز اجباری قرار داده و دستور انتشار اسناد را صادر نماید. با این حال، امکان اتکا به این راه حل و تفسیر در رویه عملی بسیار کم است لذا این راهکار بیشتر ارزش نظری داشته و برای رویه قضایی ما نامانوس است ضمن آنکه برخی دادگاهها ممکن است استدلال نمایند که

چون صدور مجوز اجباری نیازمند تصریح قانونی است، نمی توان با ارائه تفسیر از مواد عام مسئولیت مدنی امکان صدور این مجوز را بطور ضمنی استنباط کرد.

در هر حال با توجه به مطالب فوق باید چنین گفت که بهتر است مقنن با تکمیل قانون ۱۳۴۸، نهاد مجوز اجباری را در حوزه مالکیت ادبی و هنری نیز پیش بینی نماید تا نیازی به ارائه تفاسیر مختلف از قوانین عام نباشد و از تشتت آرا جلوگیری نمود. حساسیت و اهمیت موضوع زمانی بیشتر می شود که بدانیم در صورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی^۱ و گسترش بازار رقابتی در کشور و امکان فعالیت آزادانه تر شرکتهای خارجی در بازار ما، احتمال بروز تعارضات این چنینی میان تولیدکنندگان خارجی و سازمانهای استانداردسازی بیشتر خواهد بود لذا بهتر است که قانونگذار از هم اکنون مقررات صریحی در این زمینه وضع نماید.

نکته قابل انتقاد دیگر در قوانین ما این است که قاعده زوال حقوق نیز پیش بینی نشده است بنابراین در مواردی که سازمان، اسناد خود را توزیع کند، نمی توان به قاعده مزبور استناد جست زیرا این قاعده استثنایی باید در قانون تصریح شود و حکم مقرر در قانون ثبت اختراعات را نمی توان به حوزه مالکیت ادبی و هنری تعمیم داد؛ حتی در صورتی که ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید نیز باید این قاعده در قوانین داخلی ما درج شود تا بتوان از آن بهره برد زیرا به صرف الحاق به سازمان مزبور و پذیرش اصول و مقررات تریپس، نمی توان از قاعده زوال حقوق برخوردار شد چرا که بهره گیری از این قاعده، منوط به درج آن در قوانین داخلی ایران دارد، امری که باید مورد توجه قانونگذار ما در اصلاح قانون ۱۳۴۸ قرار گیرد.

۳-۳. مرحله اجرای استاندارد

همانطور که پیش از این اشاره داشتیم، در مرحله اجرای استاندارد، تولیدکننده یک محصول برای گرفتن مجوز ورود محصول به بازار، باید آن را به هیاتهای صالح استاندارد بسپارد تا بر اساس آزمایش انطباق، سازگار بودن یا نبودن محصول را با استانداردهای تعیین

1. World Trade Organization (WTO).

شده احراز نمایند. در کشور ما، بر اساس بند ۸ ماده ۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، وظیفه آزمایش و تطبیق نمونه کالا با استانداردهای مربوط، اعلام مشخصات اظهار نظر مقایسه‌ای و صدور گواهینامه‌های لازم با موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی است. همچنین مطابق تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۳ قانون فوق‌الاشعار: آزمایشگاه‌هایی که تاییدیه لازم را از موسسه دریافت نموده باشند می‌توانند در رابطه با تطبیق ویژگی کالاها با استانداردهای ملی مربوط اظهار نظر نمایند. آزمایشگاه‌های موسسه (جز در مورد مواد دارویی)^۱ در زمینه تعیین ویژگی کالاها و مقایسه آن با استانداردهای مربوط و تنظیم کردن (کالیبره کردن) وسایل سنجش، به عنوان آزمایشگاه‌های مرجع در کشور شناخته می‌شوند.

آزمایشگاه‌هایی که از سوی موسسه، تاییدیه لازم را برای تطبیق محصولات با استانداردهای تعیین شده دریافت کرده‌اند برای این تطبیق ممکن است معیارهایی با استفاده از اسناد موسسه ابداع کرده باشند و بحث حمایت از این ابداع در قالب اثر اشتقاقی مطرح می‌گردد. البته تاکنون آزمایشگاه یا شخص حقیقی برای حمایت از معیارهای ابداع شده تقاضای حمایت نکرده و رویه قضایی ایران نیز در این زمینه ساکت است با این حال باید به لحاظ حقوقی خاستگاه موضوع را در حقوق ایران روشن ساخت و ابتدا بدین پرسش پاسخ داد که آیا معیارهای ابداعی فوق در حقوق ایران قابل حمایت به عنوان یک اثر اشتقاقی هستند یا خیر؟ در قانون ۱۳۴۸ و سایر قوانین مرتبط هیچ اشاره‌ای به حمایت از آثار اشتقاقی نشده است از این رو در پیش‌نویس لایحه حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط برای رفع این خلا حمایت از این آثار نیز پیش‌بینی شده بود که همانطور که اشاره شد، این پیش‌نویس به تصویب نرسید لذا در حال حاضر نمی‌توان معیارهای موسسات فوق را در خصوص ابداع معیارها به عنوان یک اثر اشتقاقی حمایت کرد. البته ممکن است تفسیر شود که آثار مشمول حمایت در ماده ۲ قانون ۱۳۴۸، تمثیلی است نه حصری لذا هر اثری که جنبه ابتکاری داشته و از راه ادبی و هنری ایجاد شده باشد باید

۱. بر اساس تبصره ۱ ماده ۳ قانون: تدوین و نشر و نظارت بر اجرای استانداردهای مواد دارویی بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

حمایت شود^۱. بر اساس این تفسیر، معیارهای ابداعی مورد بحث نیز یک اثر ادبی مشمول حمایت تلقی می‌شوند و تابع قواعد و مقررات قانون ۱۳۴۸ به شمار می‌آیند؛ ضمن آنکه قبول این نظر دارای این حسن است که محل درآمدی برای موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران ایجاد می‌کند و موسسات دارای تایید برای ابداع معیارها باید ابتدا از موسسه کسب اجازه کنند و چه بسا مبلغی به عنوان حق الامتیاز به موسسه استاندارد پردازند. با این حال این تفسیر ظاهراً مناسب، به سه دلیل قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد: نخست آنکه قانون ۱۳۴۸ دارای یک سلسله ضمانت اجراهای کیفری است و نمی‌توان با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، مصادیق آثار مشمول حمایت مندرج در ماده ۲ قانون ۱۳۴۸ را گسترش داد؛ ثانیاً: پذیرش یک اثر به عنوان اثر ادبی و هنری مشمول حمایت قانون ۱۳۴۸، مستلزم اعطای حقوق انحصاری مادی و معنوی به پدیدآورنده یا صاحب حق است و چون اصل بر عدم انحصار است مگر آنکه مقنن بر آن تصریح کرده باشد لذا نمی‌توان در صورت تردید، به موسسات پدیدآورنده معیارهای تطبیق محصول با استاندارد، حق انحصار اعطا کرد؛ ثالثاً: چون تعداد معیارهای ابداعی در ایران بسیار کم است، قبول حمایت از این معیارها به عنوان اثر مشمول حمایت دارای این خطر است که خارجیان با استفاده از اسناد استاندارد موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی، معیارهای نوینی را ابداع کرده و برای نخستین بار در ایران منتشر سازند و متقاضی حمایت انحصاری گردند و این موضوع می‌تواند تعهدات مالی فراوانی برای کشور به همراه داشته باشد که به مراتب بیش از منافع اقتصادی است که موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به دست می‌آورد. از این رو، با عنایت به نظر اخیر که قوی تر بنظر می‌رسد باید گفت که معیارهای تطبیق محصول با استاندارد، به عنوان اثر ادبی مشمول حمایت در حقوق ایران محسوب نمی‌شوند.

اما پرسش دوم در این بند راجع به این است که اگر موسسه ای بخواهد معیارهای تطبیق محصول را ابداع کند و موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران از اعطای اجازه به او خودداری کند، چه راهکار حقوقی وجود دارد؟ در مقام پاسخ باید گفت که چون در حقوق ایران، نهاد مجوز اجباری در حوزه مالکیت ادبی و هنری مقرر نشده است لذا

۱. صفایی سید حسین، حبیب‌سعید، صادقی محسن و محسنی حسن، منبع پیشین.

ایرادات و ابهاماتی که در بند دوم (مرحله انتشار استاندارد) گفتیم در این مرحله نیز مطرح می‌شود و بهترین راهکار تکمیل و اصلاح قانون ۱۳۴۸ و پیش بینی نهاد مجوز اجباری در زمینه مالکیت ادبی و هنری است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. استاندارد عبارت است از یک سلسله ضوابط و معیارهای علمی و فنی که برای قانونمندی سازی کالاها و خدمات مختلف و تشخیص انطباق کالاها و خدمات تولیدشده با اصول و ضوابط مقرر وضع شده و می‌شوند.

۲. استانداردسازی محصولات هم دارای منافع فردی برای تولید و توزیع‌کنندگان محصول و هم دارای منافع عمومی برای مصرف‌کنندگان جامعه است. این فواید اقتصادی بی‌گمان دارای آثار حقوقی نیز می‌باشد و این آثار باعث می‌شود تا مقوله استانداردسازی با برخی نهادهای حقوقی از جمله حقوق مالکیت فکری رابطه تنگاتنگ داشته و حتی تعارضاتی نیز میان آنها وجود داشته باشد. با اینحال، چون استانداردسازی عمدتاً در سه مرحله متفاوت (مرحله وضع استاندارد، مرحله انتشار استاندارد و مرحله اجرای استاندارد) صورت می‌گیرد، در هر مرحله، حقوق مالکیت فکری نقشی متفاوت ایفا می‌کند و طبیعتاً تعارضاتی متفاوت مطرح می‌شود.

۳. در مرحله وضع استاندارد، تعارض استانداردسازی و مالکیت فکری در جایی مطرح می‌گردد که سازمان ناگزیر می‌شود در وضع استاندارد، از فناوری‌هایی بهره‌گیرد که پیش از این توسط شخصی، به عنوان اختراع ثبت شده و حقوق انحصاری آن متعلق به اوست لذا هرگونه استفاده برای تجارت از جمله استفاده از فناوری ثبت شده جهت استانداردسازی محصولات، نیاز به کسب اجازه از صاحب ورقه اختراع دارد و ممکن است او از اعطای اجازه به سازمان استانداردسازی خودداری نماید یا برای صدور مجوز، شروط و قیمتی غیرمتعارف ذکر کند. در این موارد، قانونگذار بسیاری از کشورها و رویه قضایی برخی از آنها نهاد مجوز اجباری را برای رفع مشکل مقرر داشته‌اند تا از این طریق هم مخترع صاحب حق الامتیاز متعارف و منصفانه‌ای شود و هم تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان از

منافع اعمال اختراع در وضع استانداردهای جدید بهره ببرند. در حقوق ایران نیز قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ با رفع خلا قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰، امکان صدور مجوز اجباری را در موارد استثنایی از جمله در جایی که رویه صاحب اختراع ضد رقابتی بوده یا شرایط اضطراری اقتضا نماید، پیش‌بینی کرده و در این زمینه خلا قانونی نداریم. اما در مواردی که صاحب اختراع عمداً از افشای اختراع خود در حین استانداردسازی خودداری کرده تا بعدها بتواند جلوی اجرایی شدن استاندارد را بگیرد یا مبلغ بیشتری را برای اعطای اجازه بهره برداری از اختراعش مطالبه کند، قانون ما مقرر صریحی ندارد؛ البته می‌توان از قاعده اقدام استفاده کرد و حق درخواست توقیف اجرایی شدن استاندارد را از صاحب اختراع سلب نمود با این حال بهتر است خلا قانونی ما در این زمینه مرتفع گردد تا از ارائه تفاسیر و صدور آرای متعارض و مشتت جلوگیری شود.

۴. در مرحله انتشار استاندارد، ممکن است سازمانهای تهیه‌کننده اسناد بدیع و ابتکاری راجع به استانداردسازی محصولات، خواهان برخورداری از حقوق مالکیت ادبی و هنری (کپی رایت) شده و منافع حاصل از فروش این اسناد را متعلق به خود بدانند. اعطای حق انحصاری به این سازمانها می‌تواند این چالش را بوجود می‌آورد که از یک سو باید از حقوق انحصاری پدیدآورندگان این آثار حمایت کرد و از سوی دیگر، منافع عمومی مربوط به آگاهی تولید و مصرف‌کنندگان از اطلاعات راجع به استاندارد را باید مورد توجه قرار داد و چه بسا به دلیل عدم پرداخت کپی رایت سازمانهای صاحب حق یا عدم کسب اجازه از آنها در انتشار اسناد، این سازمانها، جلوی تکثیر و انتشار بیشتر اسناد را گرفته و در نتیجه بسیاری از تولید و مصرف‌کنندگان در جریان اطلاعات راجع به یک استاندارد جدید قرار نگیرند. در مواردی که متقاضیان استفاده از اسناد راجع به استاندارد، از پرداخت حق کپی رایت سازمان خودداری می‌ورزند، سازمان به اسناد حق مالکیت ادبی و هنری می‌تواند مانع هرگونه استفاده تجاری از اسناد از جمله تکثیر و عرضه عمومی اسناد شود اما اگر اسناد به این حق انحصاری بگونه‌ای باشد که حقوق رقابت را مخدوش کند و اقدام سازمان، از مصادیق سوءاستفاده از حق تلقی شود، دولت می‌تواند از طریق نهاد مجوز

اجباری، اجازه تکثیر و توزیع اسناد را به متقاضیان ذی صلاح داده و حق الامتیاز منصفانه‌ای برای سازمان صاحب حق تعیین نماید. برخلاف حقوق ایران که قوانین موجود آن فاقد مقررهای در این زمینه هستند؛ البته می‌توان برای رفع این خلا به تفاسیر مختلفی دست یازید که به برخی از آنها در متن مقاله اشاره شد با این حال توصیه می‌شود که قانونگذار کشور ما با تکمیل و اصلاح قوانین موجود در زمینه مالکیت ادبی و هنری و امکان صدور مجوز اجباری، این خلا را مرتفع سازد. حساسیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم در صورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و گسترش بازار رقابتی در کشور و امکان فعالیت آزادانه تر شرکتهای خارجی در بازار ما، احتمال بروز تعارضات این چنینی میان تولیدکنندگان خارجی و سازمانهای استانداردسازی بیشتر خواهد بود لذا بهتر است که قانونگذار از هم اکنون مقررات صریحی در این زمینه وضع نماید.

۵. در مرحله اجرای استاندارد، چالش میان استاندارد با حقوق مالکیت فکری زمانی مطرح می‌شود که وقتی تهیه استاندارد می‌تواند به عنوان یک اثر بدیع و اصیل مورد حمایت باشد، پس مجموعه آزمایشهایی که آزمایشگاهها و موسسات مجاز انجام داده و از متن آنها معیارهایی برای تطبیق محصول با استاندارد استخراج می‌نمایند، می‌تواند به عنوان یک اثر اقتباسی یا اشتقاقی (مشتق شده) حمایت شود. در نتیجه اگر از آزمایشهای طراحی شده، منفعی به دست آید در این منافع هم سازمان استانداردسازی - به عنوان صاحب اثر اصلی - و هم طراح آزمایشها - به عنوان صاحب اثر اشتقاقی - مشترکاً از منافع سهم خواهند برد. در صورت مخالفت سازمان استانداردسازی با اعطای اجازه به آزمایشگاهها و موسسات مجاز برای استخراج معیارهای تطبیق، می‌توان گفت که علی‌الاصول تهیه و طراحی آزمایشهای استاندارد از سوی اشخاصی غیر از سازمانهای استانداردسازی، امری ضروری نبوده و غالباً برای راحتی بیشتر تولیدکنندگان است لذا نمی‌توان به استناد ضرورت، معتقد به صدور مجوز اجباری بود خصوصاً آنکه این مجوزها، برخلاف قاعده حمایت از مالکیت صاحبان کپی رایت بوده و تنها در موارد مصرح قانونی قابل اعمال است و در موارد تردید، نباید حکم استثنایی و خلاف اصل را تعمیم داد. با اینحال اگر شرایط بگونه‌ای پیش رود که دولت در شرایط بسیار خاص و اضطراری اقدام سازمان

استانداردسازی را بر خلاف منافع عموم تولید و مصرف کنندگان بدانند می تواند بطور استثنایی حکم بر مجوز اجباری صادر نماید. همچنانکه در برخی کشورها از این راه حل استفاده می شود؛ برخلاف ایران که علاوه بر سکوت قانونی، رویه قضایی نیز راهکاری را به دست نمی دهد از این رو، بهترین راهکار تکمیل و اصلاح قانون ۱۳۴۸ و پیش‌بینی نهاد مجوز اجباری در زمینه مالکیت ادبی و هنری بنظر می‌رسد. همچنین قانونگذار ما باید قاعده زوال یا خاتمه حقوق را همانند حق اختراع، در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری نیز برسمیت شناسد زیرا بهره‌گیری از مزایای این قاعده منوط به درج آن در قانون داخلی است تا در مواردی که سازمان استانداردسازی برای یکبار از مزایای توزیع اسناد خود بهره‌مند شد، حق انحصاری او زائل شود و تکثیر و توزیع‌های بعدی نیازمند کسب اجازه از سازمان نباشد و از این طریق دسترسی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان به اطلاعات مزبور تسهیل گردد.

منابع

- صفایی، سید حسین، سعید حبیب، محسن صادقی و حسن محسنی، (۱۳۸۳)؛ آثار الحاق ایران به کنوانسیونهای برن و رم و موافقت نامه تریپس در زمینه آثار ادبی و هنری، طرح انجام شده در موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران).
- عمید، حسن، (۱۳۶۹)؛ فرهنگ عمید، جلد اول، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- کلمبه، کلود، (۱۳۸۵)؛ اصول بنیادین حقوق مولف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علیرضا محمد زاده وادقانی، تهران، نشر میزان.
- منتقمی، فروغ، (۱۳۸۵)؛ استاندارد و صادرات، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- میرحسینی، سید حسن، (۱۳۸۵)؛ فرهنگ حقوق مالکیت معنوی، جلد ۲، تهران، نشر میزان.
- میرحسینی، سید حسن، (۱۳۸۵)؛ مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- Burrone, Esteban, (2009); *Standards, Intellectual Property Rights (IPRs) and Standards-setting Process*, Available at: http://www.wipo.int/sme/en/documents/ip_standards.htm#,
- Deutch Sinai, (1995); *Are Consumer Rights Human Rights?*, *Osgood Hall Law Journal*, Vol.32, No.3,
- IEEE, (2009); “*Understanding Patent Issues During IEEE Standards Development*”, Available at: <http://standards.ieee.org/board/pat/guide.html>
- J. Jannuska, (2009); *Patents and Standards Setting: Hot Issues for Patent Owners*, Available at: http://www.dww.com/articles/patents_and_standard-setting.htm,
- Lemley Mark A., (1999); “*Beyond Preemption: The Law and Policy of Intellectual Property Licensing*”, *California, Law Review*. No. 89,
- Lemley Mark A, (2009); *Intellectual Property Rights and Standard Setting Organizations; Intellectual Property Rights and SSOs*, p.9, Available at: <http://www.ftc.gov/opp/intellect/020418lemley.pdf>;
- Linn Richard J., Jr, (1999); “*Conformance Evaluation Methodology and Protocol Testing*”, *IEEE Journal on Selected Areas in Communications*, Vol. 7, No. 7,

- September,
- Mueller Janice, (2002); "Patent Misuse through the Capture of Industry Standards", *Berkeley Technology Law Journal*, No. 17,
- Musungu Sisule F. and Oh Cecilia, (2006); The Use of flexibilities in TRIPs by Developing Countries, *South Centre and World Health Organization*.
- Office of Technology Assessment, US Congress, (1992); Finding a Balance: Computer Software, Intellectual Property, and the Challenge of Technological Change, OTA-TCT-527, Washington DC: US Government Printing Office,
- Rutkowski Anthony M., (1991); Networking the Telecom Standards Bodies, Version 3.1, *IETF Bulletin Board*, August 2,
- Sirbu Marvin, and Stewart Steven, (1986); Market Structures and the Emergence of Standards: A Test in the Modem Market, *MIT Research Program on Communications Policy*, June.
- Surowiechi James, (2002); *Turn of the Century*, Wired.
- Weiss Martin B.H. and Spring Michael B. (1992); Selected Intellectual Property Issues in Standardization, Presented at the Twentieth Annual Telecommunications Policy Research Conference, Solomons, MD, September 12-14.
- WIPO, (2006); *Patent Committee Report*, Geneva: WIPO Publications.
- WIPO, (2000); *Secrets of Intellectual Property: A Guide for Small and Medium-Sized Exporters*, Geneva: WIPO Publications.
- www.iso.org
- www.iso.ch/iso/en/aboutiso/isomembers
- www.ftc.gov/os/caselist/0510094/index.shtm.